

پیام سندیکا

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۱۲۶ / سال سیزدهم / مهر ماه ۱۴۰۲ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران

پیام
کارگران فلز
کار

شماره یکم - مهر سال ۹۰

کارگر متحد همه چیز، کار متفرق هیچ

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات

زندگی مزرعه صلح و صفاست؛

چشمه خوبی هاست؛

دانه ای گر پشانی در خاک؛

حاصلش خرمتی از مهر و وفاست؛

عشق باید ورزید؛

مهر باید افشانید.

زیستن با مردم؛

مهربانی است به خود؛

این پیامی است؛

که در قلب تو ره می یابد؛

مردمی باید بود

مرد می باید زیست؛

مرد می باید ماند.

دوازده سال پیکار، دوازده سال زندگی!



ماهنامه نشریه پیام سندیکا، پیام آور سندیکاهای کارگری ایران شماره ۱۲۶ / سال سیزدهم / مهر ۱۴۰۲ در ایران بصورت چاپی و الکترونیکی منتشر شد.

در این شماره می خوانید:

اطلاعیهای سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور ص ۱۰

روزگار کارگران افغانی! ص ۳۰

تاخیر در پرداخت دستمزدها و موج اعتصاب ها! ص ۳۲

مصاحبه مازیار گیلانی نژاد با خبرگزاری ایلنا ص ۳۳

یکشنبه های اعتراضی بازنستگان تامین اجتماعی ص ۳۶

انتخابات کانون عالی در انزلی! ص ۳۸

در جلسه کانون بازنستگان قزوین چه گذشت؟ ص ۳۹

افزایش رهاسازی سالمندان! ص ۴۱

در سالمندی هم می توان جوان ماند! ص ۴۲

نامه سرکشاده در مورد پدیده خودکشی! ص ۴۳

وعده ها ص ۴۶

در زاین اعداد خجالت نمی کشند! ص ۴۸

قلمی که شکسته شد! ص ۵۱

جگمه پلاستیکی ص ۵۲

بیاموزیم! ص ۵۳

به بهانه ی اول شدنم تو مسابقات نقاشی ص ۵۵



پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/ چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه های

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

هیات تحریریه سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دو زبانه سندیکای

کارگران فلز کارمکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com و کانال رسمی

سندیکا در تلگرام به آدرس

کانال رسمی سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران

مراجعه کنید

دوازده سال پیکار، دوازده سال زندگی!

آغاز سیزدهمین سال انتشار پیام سندیکا، بر همه دستداران و نویسندگان این نشریه به ویژه کارگران و جنبش کارگری و سندیکایی شادباش!

وقتی به گذشته نگاه می‌کنم هیچگاه در ۱۰ مهر سال ۱۳۹۰ فکر نمی‌کردم که نشریه پیام سندیکا بتواند ۱۲ سالگی را جشن بگیرد و ۱۲ سال دوام بیاورد. بسیار بودند نشریه‌هایی که افراد توانمند و کارکشته‌ای در خود داشته و منتشر می‌شدند، اما به تعداد انگشتان یک دست نرسیده از انتشار باز می‌ماندند. همیشه فکر می‌کردم در این وانفسای بگیر و ببندها چگونه می‌توان ماند و از اصول خود هم عدول نکرد. در آن زمان مجله چیستا متعلق به دانشمند طبقه کارگر ریاضدان برجسته، پرویز شهریاری چاپ می‌شد و بطور مرتب به دست علاقمندان می‌رسید. مجله‌ای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و تا حدودی ایدئولوژیک. جالب بود این مجله حرفش را می‌زد اما حساسیت‌ها را بر نمی‌انگیخت.

امروز با همه سختی‌ها، گرانی‌ها، بی‌پولی‌ها، ترس و وا همه‌ها توانسته ایم ۱۲ سال را سپری کنیم. در این مدت زبان گویای طبقه کارگر شده ایم، نشریه‌ای خبری، فرهنگی، اجتماعی و مهمتر از همه آموزشی برای زحمتکشان. آموزش یک دوره تکامل، سه دوره اقتصاد سیاسی، یک دوره شناخت، و بارها و بارها افشای نقش نئولیبرالیسم در زندگی زحمتکشان. برای نمونه: «نئولیبرالیسم یعنی پشت شیشه نانوایی بنویسند نان نسبه داده نمی‌شود» برای فرا گرفتن اینگونه نوشتار ساده و پُر مغز یاری بسیاری از دوستان خبرنگار، اساتید سندیکایی به کمک مان‌آمد. از مجله چیستا آموختیم و هرکسی که می‌توانست ما را نکته‌ای بیاموزد با آغوش باز به دیدارش شتافتیم.

از صالح که اولین آرم نشریه را طراحی کرد تا میلاد که با ابتکارانش ویژه نامه یادنامه استاد شهریار را منتشر کردیم و به ویژه دوستان نویسنده و خوش قریحه ای چون زنده یاد کاظم عاشقی و شعرای آذری زبانمان چون ذالفقار و شهرک و امیدی توانستیم نشریه را طراوتی دیگر ببخشیم. از کمک فرجاده‌ها برخوردار شدیم که نشریه را توسط دوستان راننده کامیون به اقصا نقاط ایران فرستاد. از راهنمایی‌های استادان بزرگوار چون جواد مهران گهر هیات مدیره سابق سندیکای کارگران کفاش و مسوول تبلیغات این سندیکا، محمد فراهانی هیات مدیره سندیکای کارگران خیاط، علیرضا فرهادی رییس هیات مدیره دهه ۶۰ سندیکای کارگران شرکت واحد و از بنیان‌گذاران کانون‌های بازنشستگی سراسر کشور، اباذر برنگی عضو هیات مدیره دهه ۳۰ سندیکای کارگران کفاش، علی جعفری مرنندی عضو هیات مدیره اتحادیه کارگران شمشک در دهه ۲۰، نبی معروفی عضو هیات مدیره تعاونی مصرف کارگران فلزکارمکانیک، محمد حسین خوان یغما عضو هیات مدیره سندیکای کارگران فلزکارمکانیک در دهه ۴۰، فریبرز رییس دانا که تشویق‌های او باعث شد اقتصاد سیاسی را آموزش دهیم، و دهها دوست و دلسوز کارگران را نمی‌توانیم از یاد ببریم.

آنچه ما را و امی دارد پایمردی نشان دهیم اشتیاق خوانندگان مجله است و وظیفه ای تاریخی که به عهده ما گذاشته شده است.

**تحریریه ماهنامه پیام سندیکا، نشریه سندیکا‌های
کارگری و زحمتکشان ایران مهر ۱۴۰۲**

به مناسبت سیزدهمین سال انتشار نشریه کارگری پیام سنديکا

سلام، سلام سنديکا

یئنه قاپنی دؤیدؤ

سنديکاتین پیامی.

سلام، سلام سنديکا

ای جانیمین دوامی.

دینم ده ایمانیم دا

داماریمدا قاتیم دا

مسلکیم، مرامیم دا

سنديکاتین مرامی.

بوگونؤمون دایاغی

قارانلیغین چیراغی

صاباحیمین بایراغی

سنديکاتین قیامی

کارگر فلزکار شاعیر ذوالفقار کمالی

ترجمه:

درب خانه ام رازد، پیام آور سنديکا. سلام سلام سنديکا، قدرت دهنده جانم. دینم و ای ایمانم،

همچو خون در رگه‌هایم، ای مسلک و مرامم، مرام من سنديکاست. تکیه گاه امروزم، چراغ

شب های تارم، ای پرچم فردايم، تلاش های سنديکا.



منوچهر سراج، عضو سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران و معتمد مردم فیروزکوه به زندان فرا خوانده شد!

از کل جهان به غیر جان هیچم نیست

جانم به فدای آن که آزاده بزیست

آزادگی ی خویش به دنیا مفروش

کین زندگی دو روزه را ارزش نیست

(محمدحسین خوان یغما)

کوشنده سندیکایی منوچهر سراج، عضو سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران و معتمد مردم فیروزکوه برای گذراندن مدت زندانش فراخوانده شد.

به وثیقه گذار منوچهر سراج یک ماه وقت داده اند تا این رفیق کارگران و کشاورزان را به زندان تحویل دهد. منوچهر سراج باید ۴ سال و دو ماه را برای حق خواهی در زندان اوین بگذراند.

ما ضمن محکوم کردن اینگونه احکام برای کوشندگان سندیکایی، اعتقاد داریم جای هیچ انسانی را پشت میله های زندان نیست و به نهادهای مربوطه می گوئیم به جای منوچهر سراج به دنبال دزد دکل ها و اختلاسگران می باید بود. زندانی کردن هر کوشنده مدنی، صنفی، زیست محیطی و اجتماعی اجازه دادن به رشد ناهنجاری های اجتماعی و باز گذاشتن دست مافیاست.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۱۰ مهر ۱۴۰۲

حمله به جنبش کارگری و اعتراضی!

با اعلام رای دادگاه ۱۷ کارگر کوشنده فولاد اهواز در ۵ مهرماه و حکم شلاق، جریمه نقدی و حبس برای آنان، آنهم در بحبوحه اعتراضات عجیب نیست. جنبش اعتراضی و کارگری باید مرعوب شود.

از اخراج استادان منتقد دانشگاه تا محدودیت در کانون وکلا، دستگیری کوشندگان عرصه جنبش زنان، اخراج دانشجویان معترض و آزادی خواه، محدودیت صدور پروانه روزنامه نگاری و حذف روزنامه نگاران آزاد اندیش بخشی از این حمله تدارک دیده شده توسط مافیای زر و زور و تزویر است.

اما مهمترین حملات در عرصه اقتصادی و روابط کار است که باید زخمی کاری بر معیشت زحمتکشان وارد کند. محاکمه امنیتی کارگران آق تپه، گرانی هر روزه مواد غذایی و مسکن، تایید مواد ضدکارگری لایحه هفتم توسعه در مجلس، اخراج آموزگاران که خواهان آموزش رایگان هستند همچون حبیبی، حکم شلاق و حبس برای کارگران فولاد اهواز، احضار و پرونده سازی و تهدید به اخراج کوشندگان سندیکالیست فلزکارمکانیک، احضار و ارسال پیامک های تهدید آمیز

برای بازنشستگان معترض، آوردن کارگران افغانستانی به پروژه های نفت و گاز بدون رعایت قوانین کار و ایمنی به پروژه ها برای سودآوری بیشتر پیمانکاران و ضربه زدن به کمپین ۱۰/۲۰ کارگران پروژه ای، ندادن کفش و لباس ایمنی به کارگران خطوط ریلی از سوی پیمانکار و جان باختن دومین کارگر مصدوم آتش سوزی پالایشگاه بندر عباس حسن ربیعی به دلیل نادیده گرفتن ایمنی از سوی مدیران ارشد پالایشگاه و وزارت نفت.

همگی این موارد در راستای حاکم کردن نیولیبرالیسم بطور مطلق در روابط کار و کارگری و اقتصادی است. بی دلیل نیست که خیریه نذر و اشتغال اصفهان با همکاری اتاق بازرگانی دست به تدوین لایحه هفتم توسعه می زند. لایحه ای که از افکار پلید طرفداران نیولیبرالیسم بر می خیزد.

اما جنبش کارگری همگام با جنبش سندیکایی، متشکل ترین بخش جنبش کارگری، نه تنها دست به افشای توطئه های نیولیبرالیسم می زند بلکه با اعتراضات خود چه در ذوب آهن، نفت و گاز و پتروشیمی، و همچنین یکشنبه های اعتراض بازنشستگانش میدان را برای عرضه این افکار پلید تنگ تر کرده و به مبارزه علیه این برنامه های ضد انسانی ادامه خواهد داد. جنبش اعتراضی محرومان پیروز تاریخ است.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

بازنشستگان سندیکای بافنده سوزنی/ بازنشستگان صنعت
چاپ/ بازنشستگان شهاب خودرو/ بازنشستگان مستقل
قزوین/ بازنشستگان مستقل رامهرمز/ بازنشستگان مستقل
بابل

تسلیت به فرزندی چنین شایسته!



پدر اسماعیل عبدی درگذشت. این جمله ساده خبر از غمی عظیم برای فرزند شایسته آقای عبدی و خانواده‌اش بود. اسماعیل عبدی الگویی است برای همه کوشندگان صنفی که چنین باشند. انسانی صادق؛ رهرو عدالت و مبارزی مقاوم.

اسماعیل جان غم دوری تو و آن ظلمی که به شما روا داشته شد همه انسان دوستان و کوشندگان صنفی را گران آمده است و این مختص پدر گرامی و مادر رنجیده و خانواده ات نیست.

از صمیم قلب به شما تسلیت می گوئیم و خوشحالیم که پدر را با چنین سرفرازی و پایداری راهی دیار باقی کردی. اطمینان داریم این غم بزرگ را به کار و تلاشی بزرگ تبدیل خواهی کرد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران / بازنشستگان سندیکای بافنده سوزنی / بازنشستگان فلزکارمکانیک / بازنشستگان صنعت چاپ / بازنشستگان شهاب خودرو / بازنشستگان مستقل قزوین / بازنشستگان مستقل بابل / بازنشستگان مستقل رامهرمز

هشدار به پیمانکاران و شرکت های نفت و گاز!

بدین وسیله به همه پیمانکاران و شرکت هایی که کارگران افغانی را جایگزین کارگران ایرانی می کنند هشدار می دهیم که بیش از این به نارضایتی کارگران ایرانی دامن نزنید و تنش را به کارگاهها تحمیل نکنید. می دانیم که کارگران افغانی با عقب افتادن چند ماهه دستمزدشان، ارزانتر کارکردن، بدون رعایت ایمنی کار کردن مشکلی نداشته و برای شما سودهای سرشاری دارند اما ظلم به هر کارگر چه افغانی و چه ایرانی از دید سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران خطایی نابخشودنی است. لذا به شما فرصت می دهیم تا آخر شهریور کارگران افغانی خود را مرخص و یا اینکه همپای کارگران پروژه ای و طبق کمپین ۱۰/۲۰ به آنان رفتار کرده و حقوق داده و مقررات را برایشان اجرا کنید. کارگر افغانی بدون گیت پاس، بدون داشتن مجوز کار یعنی کارگری که وجود ندارد و اگر در حادثه ای بمیرد و یا مجروح شود پیمانکار هیچ مسوولیتی را در قبال این کارگران نداشته و از خود سلب مسوولیت خواهد کرد. از همه کارگران پروژه ای می خواهیم اطلاعات شرکت هایی که افغانی ها در آنها مشغول کار هستند را با جزییات برای سندیکا بفرستند تا سندیکا در مورد این شرکت های متخلف اقدامات قانونی را انجام دهد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و کارگران پروژه ای تلاش دارند از ظلم و مرگی که این کارگران ناآگاه افغانی را تهدید می کند، آنان را رها ساخته و فرصت های شغلی را که این کارگران ناآگاه با تن دادن به استثمار و ظلم و فراهم ساختن سودجویی بیشتر برای پیمانکاران، از کارگر ایرانی سلب کرده است را به کارگران پروژه ای باز گردانند. برای همبستگی برادرانه و نجات جان کارگران افغانی و مقابله با ظلم و خلافکاری پیمانکاران و سودجویی آنان در مورد کارگران افغانی، با هم متحد شویم. حذف شرکت های پیمانکاری و استخدام در شرکت نفت و گاز خواست همه کارگران است.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۱۵ شهریور ۱۴۰۲

مرگ کارگران در آشفته بازار سیاست های ضد کارگری!

سیاست های ضد کارگری که از سال گذشته با شیب تندتری آغاز شده است همچنان پیش می تازد. دولت بر تصاحب همه آن چیزی که متعلق به زحمتکشان است عزم خود را جزم نموده تا آنجا که وزارت کار به دلال خانه ای برای پیشبرد این سیاست ها تبدیل شده است.

مرگ کارگران در این آشفته بازار سیاست های ضد کارگری به امری عادی تبدیل شده است. محبوس شدن ۶ کارگر معدن طرزه شاهرود در عمق ۷۰۰ متری و سپس مرگ فجیع آنان که بی تردید از سر سودجویی اتفاق افتاده است در جامعه ای که هر روز درگیر سیاست های نئولیبرالیستی است به ویژه در وزارت کار، واکنشی را برنمیگيخت.

هسته سخت قدرت برای این آشفته بازاری که راه انداخته است با برنامه ریزی تلاش می کند تا بهداشت روانی جامعه بهم ریخته شود تا او بتواند برای روزهای آینده آماده باشد.

اخراج اساتید، دستگیری های فله ای زنان، احضار کوشندگان کارگری و بازنشستگی، پرونده سازی برای هر آن کس که خوشایند این هسته قدرت نیست، جابجایی زندانیان، دیگر وقتی نمی گذارد تا به اعتصاب کارگران ماشین سازی اراک، خودکشی سریالی کارگران پتروشیمی چوار ایلام، جان باختن روزانه ۵/۵ کارگر در حوادث کاری بپردازند.

در سال گذشته ۱۹۰۰ کارگر در حوادث شغلی جان باختند که به دلیل رعایت نکردن موارد ایمنی و سودجویی کارفرمایان رقم خورده است. در ذوب آهن، فولاد، نفت و گاز، کارخانه های خودرو سازی، آمار جانباختگان و حادثه دیدگان محرمانه است. به اینها باید خودکشی های کارگران بیکار، اخراجی را نیز علاوه کرد.

سیاست های ضد کارگری نئولیبرالیستی تنها با اتحاد زحمتکشان به شکست خواهد انجامید و کارگران را از کشتار روزانه نجات خواهد داد.

با همدردی برای خانواده های جانباختگان و متشکل شدن هرچه بیشتر کارگران در سندیکاهای کارگری باید به مقابله با این سیاست های خانمانسوز رفت.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۱۴ شهریور ۱۴۰۲



اخبار ذوب آهن



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

۱- رستوران داری در ذوب آهن!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، وضعیت رستوران ها در ذوب آهن مناسب نیست چه به لحاظ لیست غذاها چه به لحاظ ازدحام بیش از حد کارگران. ذوب آهن به دلیل شرایط کاری سخت و نامناسب، کارگران و کارکنانش دچار بیماری های گوارشی بسیاری می شوند که از سالها قبل شایع است. نگرانی های ویژه کار، دستمزدی که کفاف زندگی را نمی دهد و گرانی های روز افزون، اول مهر و مسایل ویژه خود، از مواردی است که کارگران و کارکنان ذوب آهن را دچار مشکلات و نگرانی کرده و بیماری های گوارشی را باعث می شود. با آنکه بارها کارگران و کارکنان ذوب آهن درخواست افزایش غذاهای رژیمی و خوراک در لیست غذاهای طبخ شده را دارند اما مدیریت به دلیل نداشتن دانش خاص در رابط با غذا، از این تقاضا تاکنون استقبال نکرده و آن را اجرایی ننموده

اند. این در حالی است که این غذاها قیمتی ارزان تر داشته و بار مالی را هم کم تر می کند. متأسفانه حتا بخش بهداشت هم که بر رستوران نظارت می کند هم به این خواسته کارگران و کارکنان تمایلی نشان نمی دهد.

۲- حوادث کار در ذوب آهن رو به افزایش است!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با آنکه قبلاً کارگران از مدیریت ذوب آهن خواسته بودند تا: «با دیدار و گفتگو با افراد حادثه دیده کارخانه با کارگران شاغل، تجربه ای گرد آمده برای دیگر کارگران تا سیر حوادث نزولی شود» متأسفانه با نشنیدن این خواسته عاقلانه با خبر شدیم: ۱- مهدی حیدری شاغل در مکانیک ۱ ایستگاههای ریخته گری در مرداد ماه سال جاری دچار سوختگی شدید از ناحیه پا شده و همچنان مراحل درمان را می گذراند. ۲- حجت اکبری از کارگران کارگاه ماشین کاری و عملیات حرارتی نت مکانیک (شرکت توسعه صنعت لنجان) ذوب آهن از فروردین مبتلا به سرطان گشته است. سوال این است: افسران ایمنی کارخانه چه چاره ای برای کمتر شدن حادثه در ریخته گری تدارک دیده اند تا دیگری دچار این حادثه نشود؟؟؟ چه باید کرد که ابتلا به سرطان در کارخانه ذوب آهن کاهش یابد؟

۳- غذا با کیفیت نیست!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، مدتی است سطح کیفیت غذا در رستوران های ذوب آهن کاهش یافته و نه تنها غذاها دیگر طعم خوبی ندارند بلکه با خوردن آن کارگران دچار بیماری های گوارشی و اسهال شده اند. متأسفانه مدیریت منابع انسانی در برخورد با این معضل و اعتراض کارگران و کارکنان دست به توجیه رفتار خود زده و در پانل های اطلاع رسانی اعلام کرده است: «هیچگونه تغییری در تأمین کیفیت مواد اولیه غذا صورت نپذیرفته و فرایند طبخ مطابق روال گذشته است» به نظر کارشناسان سندیکایی مستقر در ذوب آهن، مدیریتی که حتا در حد سطح آشپزخانه هم نیست نمی خواهد مشکل را دیده و آن را حل کند. اگر یک یا چند کارگر بیمار شده بودند نظر این مدیر بی عرضه صحیح بود اما وقتی اکثر کارگران دچار چنین موضوعی می شوند باید به دنبال علت گشت.

بالاخره در فرایند خرید، پخت، توزیع و نگهداری اتفاقی افتاده که کارگران و کارکنان اسهال گرفته اند پس باید به دنبال شناسایی مشکل بود نه آنکه از زیر بار آن شانه خالی کرد. مدیریت کیلویی و بی عرضه یعنی این .

۴- تعاونی برتر!!!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در ۷ شهریور ماه سال جاری از تعاونی های برتر استان اصفهان تقدیر شد. تعاونی مصرف ذوب آهن که قدمتی ۵۴ ساله دارد نیز جزو تقدیر شدگان بود. قنبری مدیر عامل تعاونی مصرف در این جلسه اعلام کرد: «موفقیت ها حاصل رهنمودهای مدیریت عالی ذوب آهن در راستای افزایش سود و ارائه خدمات بوده است. البته با آمدن آقای قنبری و مدیر عامل جدید ذوب آهن نگرش این تعاونی مصرف پرسابقه و خدمات رسان به کارگران و کارکنان ذوب آهن تغییر کرده و در راستای افزایش سود به دلالتی پرداخته است. از جمله سرویس های حمل و نقل کارکنان را بدست گرفته و به جای دادن جنس ارزان به کارگران آنان را به فروشگاههای هم عرض معرفی کرده تا آنان کالاهایی گران تر از بازار بخرند تا سود تعاونی از طریق شیتل گرفتن از فروشگاهها افزایش پیدا کند. قبل از این، مدیریت تعاونی مصرف برای خرید کالاهای با کیفیت و ارزان برای کارگران عضو تلاش می کرد. اما سمت و سوی مدیریت جدید با معرفی کارگران به دیگر فروشگاهها و دلالتان گرایش پیدا کرده است. باید به این نابخه های پشت هم انداز پولساز و نابود کننده تعاونی مصرف که توسط مافیای ذوب آهن به کار خیانت به کارگر گمارده شده اند یک چک و لگد کارگری هدیه داد

۵- مصائب بازنشسته شدن در ذوب آهن!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، بازنشسته شدن در ذوب آهن فرایندی نفس گیر و احمقانه ای است، چرا که مافیای ذوب آهن به دلیل نپرداختن ۴ درصد حق سخت و زیان آور بودن شغل را به سازمان تامین اجتماعی، باعث می شود موعد بازنشستگی چند ماهی به تاخیر بیفتد و کارگر مجبور است در این مدت به سرکار بیاید تا ترک کار او به سازمان تامین اجتماعی و بخش مستمری اعلام شود. اما

بخش مهم موضوع نپرداختن معوقات بازنشستگان شرکت است. چنانکه هنوز معوقات سال گذشته بازنشستگان تاکنون پرداخت نشده است. بازنشسته ای که می خواهد با این پول سنوات، خود خانه ای بخرد، پسر یا دختری را عروس کند، و یا ... اما باید امروز و فردا شدن این پرداخت را شاهد باشد. بعد مدیریت اعلام می کند چند صد میلیارد تومان ذوب آهن سود کرده است.

۶- اول کار بعد ایمنی!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با افزایش حوادث کاری اتفاق افتاده در ذوب آهن اصفهان که بخش بسیار کوچکی از آن منعکس و به دست ما می رسد، در اتفاقی جدید کارگران و کارکنان ذوب آهن طی نامه‌ای به مدیریت ارشد و مدیرعامل ذوب آهن خواستار ارزیابی وضعیت ایمنی قسمت ها گردیدند. حوادث کاری در ذوب آهن بیشتر در قسمت تولید، کوره ها و در مکانیک نت رخ می دهد که کارگر حادثه دیده را نقص عضو و یا به دلیل ترس ناشی از حادثه نمی خواهد در آن واحد کار کند به همین خاطر در بخش اداری قسمتی برای این موضوع اختصاص داده شده تا کارگر حادثه دیده که نمی خواهد در واحد خود کار کند بتواند محل کارش را عوض کند. در بخش ذوب حوادث کار مرگ آور است. در سال گذشته فیلمی از خط تولید میلگرد منتشر کردیم که اختیار خط تولید به دلیل نقض فنی از دست اپراتور خارج گردید که با هشدار به موقع، کارگران محل را ترک و برق را قطع کردند تا بتوانند خط تولید را تعمیر و برنامه نویسی مجدد کنند. مدیریت ذوب آهن به اول ایمنی بعد کار اعتقاد ندارد. تعمیرات دوره ای، تعویض قطعات در زمان مناسب، فرسودگی دستگاهها، خستگی ناشی از کار سنگین و نداشتن استراحت کافی، حقوق ناچیز در مقابل کار سخت، بهم خوردن تعادل بهداشت روانی کارگران از زمره مسایل حوادث کاری در این مجموعه است.

۷- مشکلات بیمه تکمیل دانا در ذوب آهن!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با همه سرو صدایی که بیمه تکمیل درمان دانا در ذوب آهن اصفهان در ابتدای شروع کارش انجام داده بود و مدیریت ادعای

حل مشکلات درمانی کارگران و کارکنان را داشت اما بعد از گذشت بیش از ۲ سال همچنان کارگران درگیر معضلی به نام خدمات بیمه تکمیل درمان دانا هستند. بیمه تکمیل درمان دانا نتوانست تعداد شعب خود را در شهرها به ویژه شهرهای لنجان و اصفهان افزایش دهد به همین خاطر بیماران می بایست پول هزینه های درمانی را از جیب بدهند بعد مدارک را به یکی از شعب بیمه دانا برده بعد از چند وقت، هزینه خود را دریافت کنند که مستلزم یک روز کامل زمان برای این موضوع است. کارگران در نامه‌ای به مدیریت درمان نوب آهن ۱ -خواستار برنامه ریزی جهت کاهش زمان پرداخت هزینه های درمان توسط بیمه دانا ۲ -اختصاص مکانی در قسمت اداری توحید برای ارائه خدمات بیمه دانا شده اند.

فعال سندیکایی کیست؟

فعال سندیکایی کسی است که در محیط کار و زندگی، فعالانه مدافع کارگران باشد و در عمل نشان دهد که در این راه ثابت قدم است. بعضی‌ها به اشتباه فکر می‌کنند که در ابتدا باید کلی کتاب خوانده باشند و از روی یک سری نسخه‌های از پیش تهیه شده عمل کنند. آن‌ها به اشتباه تصور می‌کنند که برای سازماندهی سندیکایی، دستخط و یا نسخه‌هایی وجود دارد که بدون آن، امر تشکل غیر ممکن است. فعال سندیکایی باید از کتاب زندگی روزمره محیط زحمتکشانش بیاموزد، فکرش را به‌طور اساسی برای شناخت این واقعیات بکار اندازد. فعال سندیکایی باید با کارگران ارتباط و پیوند عمیقی داشته باشد. او باید در همه مبارزات داخل واحد تولیدی پیشقدم باشد. او در شوراهای کارکنان، نقش بیانگر حقوق واقعی کارگران را بعهده دارد. در شرکت‌های تعاونی کارگران فعال است و هر جا که مطالبات کارگران مطرح باشد حضور دارد و در راس اقدامات دسته‌جمعی قرار می‌گیرد.

تاخیر در بازنشستگی کارگران ایران خودرو!



ایران خودرو

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران بازنشسته ای که باید در سال گذشته بازنشسته می شدند همچنان به سرکار می روند چون هنوز ۴ درصد سخت و زیان آورشان هنوز به سازمان تامین اجتماعی پرداخت نشده است. به گفته مدیریت این کارگران بازنشستگی شان از اول مهر به سازمان تامین اجتماعی اعلام خواهد شد. طی ماههای تیر و مرداد ۴۵۰ نفر دیگر به خیل بازنشستگان ایران خودرویی اضافه شدند. طبق آمار منتشره از سوی مدیریت منابع انسانی امسال ۲ هزار کارگر در ایران خودرو بازنشسته خواهند شد. مدیریت منابع انسانی این تاخیر در بازنشستگی را افزودن ۴۰۰ هزار تومانی کارایی به دستمزد این افراد که در مهرماه انجام خواهد شد ربط داده است در حالی که طبق اسناد ایران خودرو ۴ درصد سخت و زیان آور بازنشستگان را طی ۲۰ سال به سازمان تامین اجتماعی پرداخت نکرده است و این مبلغ درشت مدیریت مالی را در محدودیت گذاشته است. احتمالان مدیریت مالی با هماهنگی مدیر عامل و سازمان تامین اجتماعی در پی واگذاری یکی از زمین ها و یا شرکت های ورشکسته خود به تامین اجتماعی است. این مافیای بازی فقط تامین اجتماعی را از منابع مالی خود در موعد مقرر هر ماهه محروم کرده و باعث ضرر و زیان انباشته در سازمان گردیده و در نتیجه بحران مالی قرار داده است که نمونه آن تاخیر در پرداخت مستمری بازنشستگان گردیده است.

اخبار کارگری نفت و گاز



۱- اعتصاب در پالایشگاه آبادان!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، از دیروز ۱۱ مهرماه کارگران پالایشگاه آبادان به دلیل عقب افتادن ۶ ماه حقوق شان دست به اعتصاب زدند. با اعتصاب صورت گرفته کارگران اورهال پالایشگاه نیز به این اعتصاب پیوستند و کار را تعطیل کرده اند. کارگران پالایشگاه می گویند به دلایل مالی مدتی است بخش هایی از پالایشگاه نیز خوابیده و تولید ندارد. امروز کارگران اعتصابی درب پالایشگاه را به مدت چند ساعت بسته و عبور و مرور را متوقف کردند. سالهاست مطالبات این کارگران توسط مدیران پالایشگاه پشت گوش انداخته می شود از جمله پرداخت ۴۰ درصد حق جذب که شرکت نفت و مدیران این پالایشگاه در مورد

آن سکوت کرده اند. با آنکه کارگران پالایشگاه آبادان از کارگران فهیم عرصه نفت و گاز هستند نمی بایست اجازه می دادند حقوق شان ششماه عقب بیفتد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ضمن حمایت از این اعتصاب خواهان پرداخت فوری مطالبات این کارگران می باشد.

۲-کمپین ۱۰/۲۰ با قدرت ادامه دارد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، از ۱۴ شهریور بیش از ۱۰۰ کارگر پروژه ای مخازن سبز شرکت بهین فراراد در پالایشگاه پیشگامان سیراف در نیش فاز ۱۳ به دلیل عقب افتادن ۲ ماه حقوق هایشان دست به اعتصاب زده و با وعده های توخالی کارفرما تیوانژی به سرکار بازنگشتند. این کارگران خواستار رعایت قوانین کمپین از جمله سر ماه تسویه حقوق ها هستند. امروز کارفرما برای گول زدن کارگران ۵۰ درصد حقوق تیرماه را واریز کرد اما کارگران به سرکار بازنگشتند. کارگران سندیکایی مستقر در پالایشگاه با همکاران خود صحبت کرده و طبق تصمیم جمعی تا پرداخت کامل حقوق ها و رعایت قوانین کمپین به سرکار باز نخواهند گشت.

به همه کارگران پروژه ای می گوئیم!

رعایت قوانین کمپین ۱۰/۲۰ به نفع همه کارگران است. اگر یک روز حقوقتان عقب افتاد کار نکنید. کارفرمایان توافق کرده اند که قوانین کمپین را رعایت کنند. احترام مسجد با متولی مسجد است، وقتی شما به خود احترام نگذاشته اجازه می دهید حقوقتان عقب بیفتد دیگر از کارفرما چه انتظاری دارید؟

زنده باد کمپین ۱۰/۲۰

زنده باد سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران سنگر کارگران پروژه ای

۳- کارگران مظلوم پتروشیمی اسلام آباد غرب!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، هنوز حقوق خرداد ماه کارگران پتروشیمی اسلام آباد غرب پرداخت نشده است. وضعیت در این پتروشیمی بسیار رقت انگیز است سرویس های حمل و نقل کارگران به دلیل نگرفتن حقوق شان از اردیبهشت تاکنون چند روزی است از سوار کردن کارگران خودداری کرده و کارگران با تاکسی و یا موتور به سرکار می آیند. با توجه به اخراج ۴۰ نفر در مرداد ماه و ندادن یک ریال به این کارگران متأسفانه شاهدیم که این اخراج ها در شهریور هم ادامه پیدا خواهد کرد. از طرفی دیگر در یک عمل غیرقانونی اداره کار اسلام آباد غرب از پذیرفتن کارگران اخراجی و دادن بیمه بیکاری به آنان خودداری می کند و هیچگونه حمایتی از این کارگران ننموده است و می گویند: «کارگرانی که در پروژه های عمرانی کار می کنند شامل بیمه بیکاری نمی شوند»

به دوستان کارگر می گوئیم که با این شرایط غیر انسانی کار نکنید و شخصیت کاری خود را حفظ کنید. اگر در لیست بیمه شما ۳ درصد بیمه بیکاری درج شده باشد اداره کار حق ندارد از دادن بیمه بیکاری به شما خودداری کند. همچنین اگر قبل از پایان موعد قرارداد شما اخراج شده باشید شامل بیمه بیکاری و همچنین شکایت از شرکت در اداره کار از حقوق حقه شماست.

۴- اوضاع نابسامان در پتروپالایش بیلش!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، پتروپالایش بیلش واقع در ضیاآباد تاکستان قزوین وضعیت نابسامانی دارد. در ابتدای کار مدیریت به کارگر می گوید: «اینجا کار اورهال است و ۲۰ تا ۳۰ روز بیشتر کار نیست» و پیشنهاد دستمزدی روزی ۲ تا ۳ میلیونی می دهند و اگر به قول آنها: «کار را زودتر تمام کنی پاداش هم خواهی گرفت. و آن حقوق یکماه کامل است» اما، پتروشیمی به حدی وضعیت خرابی دارد که در حد یک تعویض روغنی هم نیست. کاملن ورشکسته با لوله های مستعمل و غیر قابل استفاده. روز اول در هتل ساکن خواهی شد و می گویند: «سرویس با خودتون و یا اینکه بیایید خوابگاه مستقر شوید.» خوابگاهی که حتا تشک و پتو هم ندارد وقتی اعتراض می کنی می گویند: «قرار

است خرید کلی انجام شود و برایتان خواهیم آورد.» غذای نهار را در وعده شام دوباره به خورد شما می دهند. بعد از چند روز که از اصلاح خوابگاه خبری نمی شود و اعتراض می کنی می گویند: «فعلن شرایط این هست.» اگر خواهان تسویه باشی تسویه می کنند اما می گویند: «امروز حسابرس نیست.» به محض اینکه به خانه رسیدی آنهم بدون پول، دیگر زنگ هم بزنی کسی جوابگو نیست. به این شکل و با آوردن نیروی جدید، می خواهند کار را مجانی جمع کنند.

۵- همکاران محترم و زحمتکش پروژه‌های!

شرکت پالایشگاه نفت و گاز پیروزی (سهامی خاص) واقع در استان سمنان، شهرستان شاهرود، کیلومتر ۱۵ جاده دامغان، جاده اختصاصی پالایشگاه شاهرود با مدیریت عاملی دکتر حمید وارثی و سرپرست کارگاهی سرگرد زحمتکش و سرپرستی اجراء مهندس نیکزاد، حق و حقوق قریب به ۳۰۰ کارگر اعم از قالب و آرماتوربند، داربست‌بند، نقاش، سندبلاست‌کار، عایق‌کار، جوشکار، فیتزر، مونتاژکار، راننده و کمکی و کادر اداری و دفتر فنی و کنترل کیفی را به مدت ۴ ماه از اسفندماه سال گذشته پرداخت نکرده و از ارسال لیست بیمه تأمین اجتماعی کارکنان یاد شده خودداری نموده است. شرکت فوق‌الذکر داری خوابگاهی با وضعیت اسفناک و فاقد هرگونه امکانات حداقلی رفاهی در شأن کارکنان زحمتکش پروژه‌های بوده و از تأمین سرویس ایاب و ذهاب و حتی ۳ وعده غذایی معمول در پروژه‌ها برای پرسنل خود خودداری می کند. علی‌رغم اینکه کارکنان شاغل در شرکت مذکور هیچ‌گونه امنیت شغلی نداشته و هر کدام از آن‌ها در هر لحظه به بهانه‌های پوچ و بی‌اساس فنی و غیرفنی بدون پرداخت کوچکترین حق و حقوقی اخراج و با یک نیروی فریب‌خورده‌ی دیگر جایگزین می‌شده، محیط کار جوی نظامی و امنیتی دارد. شرکت نامبرده در برابر خواسته به حق کارکنان مبنی بر عقد قرارداد مقاومت کرده و در نهایت پس از پافشاری کارکنان، قراردادی کاملاً غیرحرفه‌ای و مطابق با قانون اداره کار در چند صفحه و تعداد زیادی ماده و تبصره و بند، شامل موادی اعم از مطالبه‌ی سفته‌ی سنگین از کارکنان، حتا نیروهای کمکی، در یک نسخه‌ی صرفاً متعلق به کارفرما تهیه و اقدام به اجبار کارکنان به امضاء آن کرده است که با مخالفت کارکنان، شرکت، موضوع تنظیم قرارداد را به طور کلی و برای همیشه منتفی اعلام کرده و به

این ترتیب امکان پیگیری شکایت پرسنل در مراجع قضایی را از آن‌ها تا حدود زیادی سلب کرده است. لازم به ذکر است که هرگونه اعتصاب و اعتراض کارکنان به عنوان شورش دسته جمعی تلقی شده و با تهدید به معرفی آنها، به عنوان اخلالگر نظم عمومی، به مراجع ذیصلاح سرکوب می‌گردد. این شرکت حتی به نیروهای کمکی که ضعیف‌ترین و مظلوم‌ترین قشر پروژه هستند هم کوچکترین ترحمی نداشته و مدت کوتاهی پس از شروع پروژه اقدام به اخراج آنها بدون پرداخت حقوق و بیمه کرده و فقدان آنها را با استنثار و بهره‌کشی از اتباع بیگانه‌ی فاقد مجوز اقامت که با ارباب آن‌ها و تهدید به تحویل به پلیس و اخراج از کشور به کار می‌گرفتند جبران کرده‌اند. شرکت پالایشگاه نفت و گاز پیروزی فاقد هرگونه واحد ایمنی و بهداشت HSE بوده و به همین دلیل به علت عدم نظارت بر سلامت ابزار کار و ایمنی محیط کار، تعدادی از کارکنان دچار جراحات‌های شدید و صدمات جبران‌ناپذیر به علت استفاده از صفحات سنگ تاریخ مصرف گذشته و فاسد شده‌اند که به علت نداشتن بیمه، در شرایط اقتصادی سخت حاضر هزینه‌های درمانی سنگینی را شخصاً متحمل شده‌اند. این شرکت در استان سمنان و شهرستان شاهرود کاملاً فاقد اعتبار و شناخته شده بوده و از تأمین نیرو در این استان عاجز است، لذا اقدام به جذب نیرو از دیگر استان‌های کشور از طریق فریب آنها می‌کند که این امر را عموماً به واسطه‌ی تطمیع برخی از نیروها با وعده‌های واهی برای جذب دوستان و همکاران خود می‌سازد.

همکاران محترم و زحمتکش پروژه‌ای!

علی‌رغم اینکه بارها تأکید شده بدون تنظیم قرارداد دو نسخه‌ای و اطمینان از اعتبار شرکت‌ها، مشغول به کار در آن‌ها نشوید تا شاهد چنین مشکلات دردناکی نباشیم ولی متأسفانه باز هم برخی از همکاران فریب این چنین شیادانی را خورده و به دام آن‌ها گرفتار می‌شوند! دوستانی که برخلاف هشدارهای مکرر، باز هم تمایل به کار رایگان در اینچنین شرکت‌هایی که نظام برده‌داری نوینی را تأسیس کرده‌اند دارید و در قید سلامت جسمی و روحی خود نیستید، لااقل اعتبار خود را نزد دوستان و همکارانتان خدشه‌دار نکرده و آن‌ها را اغفال به کار در یک چنین شرکت‌هایی نکنید! روز و روزگارتان خوش، ایام بکام. **کارگر پروژه ای دوستدار برادران خود**

۶- کارگران افغانی را آگاه کنیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با افزایش ورود کارگران افغانستانی به پروژه‌ها به ویژه در بخش‌های ساختمانی همچون بنایی، سنگ کاری، داربست، رنگ و عایق، سیویل، دیوارچینی، پلاستر، کف سازی و قالب، کارگران ایرانی در این رشته‌ها شغل خود را از دست داده به خیل پیمانکاران می‌پیوندند. بطور نمونه در شرکت مشعل پویا در پالایشگاه اصفهان ۱۵۰ کارگر افغانستانی را در رشته‌های سیویل، دیوارچینی، پلاستر، کف سازی و قالب استخدام نموده است و پیمانکارشان هم افغانی است. **دوستان کارگر،**

اکثر این کارگران از موضوعاتی چون ایمنی، گرمزدگی، داشتن لباس کار مناسب و کفش ایمنی، ۸ ساعت کار بی‌خبر بوده و فقط خوشحالند که مشغول به کار شده برای خانواده خود پول خواهند فرستاد. کارگر ناآگاه چه ایرانی چه افغانستانی هم بلای جان خودش است و هم بلای جان دیگر کارگران. به آنان آموزش بدهیم که بدون کفش کار و لباس کار مناسب چه بیماری‌های پوستی و گوارشی در دمای بالای ۵۰ درجه در انتظارشان است. به آنان بگوییم نداشتن کمربند ایمنی و کلاه ایمنی مرگ را به خود نزدیک کرده‌اند. به آنان بگوییم که همانطوری که دستمزدهای ما با تاخیر پرداخت می‌شود و حتی خورده می‌شود وای به حال شما که دستتان به جایی بند نیست و دست از پا درازتر از پروژه‌ها خواهید رفت. این آموزش‌ها باعث خواهد شد کارگر افغانی خواهان تضمین پرداخت حقوق، ایمنی و وسایل ایمنی شود و هزینه‌های پیمانکار و شرکت مادر بالا رود. غذای خوب، مایع دستشویی، میوه، حمام و دستشویی پاکیزه، وسایل ایمنی یعنی بالا رفتن هزینه‌ها برای پیمانکاران یعنی سود کمتر و در نتیجه بیرون رفتن افغانی‌ها از پروژه‌ها. **کارگر همیشه متحد کارگر است**

۷- تبلیغ برای شرکت‌های بدنام!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، سایت‌های استخدام که در تهران مستقر است بطور مرتب آگهی استخدام نیرو برای پالایشگاه بدنام شاهرود می‌گذارد تا به این وسیله کارگران را گول زده به یک محل برده داری بفرستد و از بغل این

خیانت به کارگران پول خوبی از پالایشگاه شاهرود به جیب می زند. کسی نیست به این پالایشگاه بدنام بگوید به جای پول دادن به این همه تبلیغ برای آگهی به کارگران حقوق خوب بده تا کارگران فراری از این اردوگاه اجباری کار نباشند. دوستان کارگر توجه کنند: پالایشگاه شاهرود با مدیریت عاملی دکتر حمید وارثی و سرپرست کارگاهی سرگرد زحمتکش و سرپرستی اجراء مهندس نیکزاد، حق و حقوق قریب به ۳۰۰ کارگر اعم از قالب و آرماتوربند، داربست‌بند، نقاش، سنبلاست‌کار، عایق‌کار، جوشکار، فیتز، مونتازکار، راننده و کمکی و کادر اداری و دفتر فنی و کنترل کیفی را به مدت ۴ ماه از اسفندماه سال گذشته پرداخت نکرده و از ارسال لیست بیمه تأمین اجتماعی کارکنان یاد شده خودداری نموده است. خوابگاهی با وضعیت اسفناک و فاقد هرگونه امکانات حداقلی رفاهی در شأن کارکنان زحمتکش پروژه‌های بوده و از تأمین سرویس ایاب و ذهاب و حتی ۳ وعده غذایی معمول در پروژه‌ها برای پرسنل خود خودداری می کند. علی‌رغم اینکه کارکنان شاغل در شرکت مذکور هیچ‌گونه امنیت شغلی نداشته و هر کدام از آن‌ها در هر لحظه به بهانه‌های پوچ و بی‌اساس فنی و غیرفنی بدون پرداخت کوچکترین حق و حقوقی اخراج و با یک نیروی فریب‌خورده‌ی دیگر جایگزین می‌شده، محیط کار جوی نظامی و امنیتی دارد. پالایشگاه فاقد هرگونه واحد ایمنی و بهداشت HSE بوده و به همین دلیل به علت عدم نظارت بر سلامت ابزار کار و ایمنی محیط کار، تعدادی از کارکنان دچار جراحات‌های شدید و صدمات جبران‌ناپذیر به علت استفاده از صفحات سنگ تاریخ مصرف گذشته و فاسد شده‌اند که به علت نداشتن بیمه، در شرایط اقتصادی سخت حاضر هزینه‌های درمانی سنگینی را شخصاً متحمل شده‌اند. این موارد گوشه کوچکی از وضعیت این اردوگاه کار اجباری برای برده‌های کارگر است. گول نخورید. این پالایشگاه تحریم کارگری است.

۸- پترو پالایش کنگان همچنان ظلم می کند!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت کیان سازه بنوار به پیمانکاری کیان پور مستقر در پتروپالایش کنگان به سرپرستی کارگاهی مهندس مردای همچنان تخلفاتش ادامه دارد. این پیمانکار در ۷ شهریور با پرداخت ۳۰ درصد از حقوق تیرماه کارگران قول داد که در آخر هفته مابقی را نیز پرداخت خواهد کرد. اما

در روز شنبه ۱۱ شهریور اعلام کرد که شرکت کیان سازه بنوار به این پیمانکاری پولی پرداخت نکرده است لذا از دادن مابقی پول خودداری کرد. این شیوه پیمانکار برای جلوگیری از اعتراض و تجمع کارگران صورت گرفته است و همچنین می خواهند خود را از زیر بار دادن پول خلاص کرده شرکت بالا دستی را مقصر جلوه بدهند. این در حالی است که ۱- امکان ندارد کارفرما پول صورت وضعیت را به پیمانکاران تابع به صورت تمام و کمال تسویه نکند و جز مقداری که بابت حسن انجام کار نگه می دارد. ۲- آیا می شود با ۳۰ درصد دریافتی آنهم با یکماه تاخیر در پرداخت دستمزد زندگی کارگری را چرخاند؟ ۳- طبق قانون کار دستمزد کارگران یا به روز یا هفته ای و یا در راس هر ماه باید پرداخت شود. از نمایندگان سندیکا تقاضا داریم تا بیشتر از این حقوق ها عقب نینفاده دخالت نمایند تا نیازی به اعتصاب برای گرفتن حق و حقوق قانونی خود نباشیم. کارگران پیمانکاری کیانپور

۹- بی ادبان، سیلی خواهند خورد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت استیم در پروژه اسلام آباد غرب که مدتی است کارکرد آنچنانی ندارد بعد از گذشت ۶ ماه که بدون سرپرست کارگاه مانده بود به تازگی فردی به نام مهندس رازدشت را به عنوان سرپرست به کارگاه فرستاده است. با اینکه این فرد نه تنها حق امضا ندارد و هنوز کارفرما از تایید ایشان خودداری کرده است و حتی جلسه ای برای معارفه ایشان برگزار نکرده است، این فرد برای خودنمایی و خوش رقصی در کمال وقاحت و پررویی با کارگران برخورد می کند. به کانکس ها رفته با لگد درب کانکسها را باز نموده و بدون کوچکترین شناختی از کارگران با توهین به کارگران می گوید: «برو واسه تسویه حساب». این در حالی است که هنوز حقوق خردادماه کارگران پرداخت نشده است و به تازگی حقوق اردیبهشت را با مرارت تمام پرداخت گردیده است. ایشان از سر و سامان دادن به کارگاه عاجز است و تنها به خاطر کار در قرارگاه خاتم به عنوان سرپرست عرض اندام می کند. با توجه به اینکه اکثریت کارگران بومی اسلام آباد هستند که مظهر بیکاری در غرب کشور می باشد، از ترس بیکار شدن قطعی جرات اعتراض به این بی ادبی ها را نداشته و در مقابل هارت و پورت این فرد بی ادب و ستمکار سکوت اختیار می کنند.

از دو هفته قبل تاکنون کارگاه ۳۰ نفر اخراجی داشته و تا پایان شهریور نیز بیش از ۴۰ نفر دیگر کارشان را از دست خواهند داد. به کارگران اخراجی هیچگونه نامه ای مبنی بر اخراج نمی دهند تا این کارگران از مزایای بیمه بیکاری استفاده نکنند. به مهندس رازدشت ساکن یاسوج اعلام می کنیم این خوش رقصی ها دوامی نخواهد داشت اما قول می دهیم که در مقابل این بی ادبی ها آبرویی برای شما در شهرتان خواهیم گذاشت. آنگاه به خانواده بگو چگونه پول پدرسوخته بازی هایت را به خانه می بری.

۱۰- پیگیری و حق خواهی جواب خواهد داد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز حقوق خرداد ماه شرکت استیم پتروشیمی اسلام آباد غرب پرداخت شد. پیگیری سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران و مطالبه گران سندیکایی مستقر در استیم باعث این پرداخت شده است و پیگیری ها برای دریافت مابقی حقوق کارگران ادامه دارد. **اتحاد مبارزه پیروزی**

۱۱- اعتصاب در پتروشیمی اسلام آباد غرب!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، پیمانکاری «علی برار چابک» مستقر در پتروشیمی اسلام آباد غرب با اینکه فقط مطالبات ۲ ماهه اول سال خود را از پتروشیمی اسلام آباد غرب دریافت کرده است ولی با کارگران خود تا پایان مرداد تسویه حساب نموده و فقط یکماه به کارگزارانش حقوق بدهکار است. او از صندوق کارگاه اصفهانش به کارگاه اسلام آباد غرب پول تزریق کرده تا شرمنده کارگزارانش نباشد. با توجه به تسویه حساب پتروشیمی با پیمانکارانش برای ماه خرداد به این پیمانکار پولی نداده استو کارگران این پیمانکار از روز پنجشنبه دست به اعتصاب زده و خواهان پرداخت پول به این پیمانکار درستکار هستند. جالب اینجاست که مدیران پتروشیمی می گویند: «علی برار چابک با پرداخت به موقع حقوق پرسنلش نظم کارگاه را بهم ریخته و نمی بایستی حقوق کارگزارانش را تا اول شهریور ماه تسویه می کرد. مدیران پتروشیمی اسلام آباد غرب پیمانکار درستکار نمی خواهند. **شرافت داشتن تاوان دارد.**

۱۲- وای به روزی که به گندد نمک!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، بعد از گذشت سالها فعالیت پیمانکاران در پروژه های عسلیویه و ظلم های زیادی که پیمانکاران در حق کارگزارانشان نموده اند، و در مقابل کارگران، خود را گردن کلفت ظاهر می کنند حالا چون موشی به حراست گزارش می کنند که قالب های پای کار آنها مفقود شده است. تحقیق آغاز گشته و بعد از تحقیقات اداره آگاهی و خود حراست پتروشیمی و بازرسی دوربین های مدار بسته منطقه ویژه، متوجه موضوع عجیبی می شوند. ماجرا از این قرار است که یک خودروی نیسان در ساعات پایانی شب وارد محوطه منطقه ویژه گردیده و اقدام به بارگیری و خروج قالب فلزی و لوله های داربست، بست داربست و.... کرده است. دزد کسی نبود جز نگهبان شب. در این راستا فعلن از افراد خاطی که با پارتنری بازی به این سمت گمارده شده اند، خبری نیست. متاسفانه نگهبانان اعم از نگهبان ساده تا حراستی ها نه از طریق شایسته سالاری بلکه با سفارشات و اینکه در اوباشگری امتحان خود را پس داده باشند به این کار گمارده می شوند. البته اینگونه دزدی ها که بی شک باید عوامل پیدا و پنهان آن را از نظر دور نداشت با هماهنگی های لازم برای اینگونه دزدی ها، را انجام می شود را از نظر دور نداشت. از طرفی هم بی دلیل نیست که می گویند از یک در که فقر بیاید از در دیگرش ایمان رخت بر خواهد بست. وقتی پیمانکار با وانت فکستنی وارد پروژه می شود و با حق خوری بعد از چندی با ماشین شاسی بلند تردد می کند، نگهبان هم به فکر می افتد که از این دریای دزدی او نیز پیاله ای بر دارد.

فعال سندیکایی

اغلب دیده شده است کارگران به اهمیت تشکل تا حدودی آگاهی دارند و وجود سندیکا را لازم می دانند اما در برابر مخالفت های شدید کارفرمایان و یا حکومت دست به اقدام جدی برای تشکیل سندیکا نمی زنند. آن ها این کار را سنگ بزرگی می دانند که قدرت بلند کردن آنرا ندارند و چون کار انجام نگرفته است، مشکلات چون کوهی در برابرشان قرار می گیرد. برای حل این مشکل باید کار را از جایی شروع کرد که اقدام دسته جمعی عملی باشد. چه کسی باید در این کار پیشقدم باشد؟ فعال سندیکایی

اخبار کارگری شرکت واحد به نقل از کاتال تلگرامی سندیکای واحد



یک سال از بازداشت ناعادلانه داود رضوی گذشت!

داود رضوی، عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، ۵ مهر ماه ۱۴۰۱، با هجوم ماموران بازداشت شد. وی طی تماس تلفنی به خانواده خود اعلام کرد که بازداشت شده و در بند ۲۰۹ زندان اوین می‌باشد. کمی قبل‌تر در اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ و در آستانه‌ی روز جهانی کارگر ماموران امنیتی به منزل ایشان هجوم برده و با شکستن درب منزل و رفتار خشونت‌بار شروع به تفتیش منزل و ضبط وسایل شخصی از جمله تلفن همراه دختر ایشان می‌کنند. این در حالی بود که خود شخص داود رضوی در منزل حضور نداشت. پس از گذراندن ۲۱ روز انفرادی در بند ۲۰۹ زندان اوین، داود رضوی به بند ۲۴۰ زندان اوین منتقل شد. در تاریخ ۲۷ آذر ۱۴۰۱ به صورت ناگهانی و بدون اطلاع قبلی به اندرزگاه ۶ زندان تهران بزرگ منتقل شد. در طی این مدت به صورت پلاتکلیف و با تمدید قرار بازداشت موقت زندانی بود. دادگاه وی در تاریخ ۱۵ اسفند ماه ۱۴۰۱ و از پس گذراندن ۵ ماه پلاتکلیفی در شعبه‌ی ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست ابوالقاسم صلواتی برگزار شد. اتهام داود رضوی اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی به ایشان اعلام شد. ۲۰ فروردین ۱۴۰۲ داود رضوی از زندان تهران بزرگ به بند ۶ زندان اوین منتقل شد و در حال گذراندن دوران حبس خود در همین بند می‌باشد. ۱۷ خرداد ۱۴۰۲ در شعبه‌ی ۱۵ دادگاه انقلاب حکم ایشان توسط دفتر قاضی صلواتی به وی اعلام شد. بر اساس حکم اعلامی، داود رضوی به ۵ سال حبس تعزیری و دو سال محرومیت از فعالیت در فضای مجازی و فعالیت در گروه‌های سیاسی و احزاب محکوم گردیده است. به دنبال اعتراض به حکم و ارائه لایحه به دادگاه تجدید نظر در تاریخ ۱۱ تیرماه حکم ۵ سال حبس تعزیری وی عیناً در شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر تایید شد. طی مدت یکساله‌ی حبس ناعادلانه‌ی داود رضوی، به دنبال شرایط سخت و مشکلات جسمانی که در زندان و به سبب گذران فشار بازجویی و انفرادی‌های طولانی برای ایشان به وجود آمد، بارها جهت پیگیری و درمان مشکلات از جمله خونریزی معده و مشکلات گوارشی به بیمارستان اعزام و بستری شده که پس از پیگیری‌های فراوان

نهایتاً بعد از مدتی به تعویق انداختن از سوی عوامل زندان، آندوسکوپي معده جهت تشخیص مشکلات گوارشی برای ایشان انجام شد. این کارگر زندانی همچنین دچار مشکلات زانو درد و آرتروز شده و طبق نظر پزشک زندان به جلسات فیزیوتراپی ارجاع داده شده است. همچنین چشم ایشان دچار مشکلات و ضعف بینایی شده که تحت دارو درمانی قرار گرفته است. داود رضوی کارگر سندیکایی تنها پیگیر مطالبات خود و همکارانش بوده است. مطالباتی که طبق قوانین رسمی کشور و مقاله نامه‌های سازمان جهانی کار، که ایران عضو رسمی آن است، از ابتدایی‌ترین حقوق همه‌ی کارگران می‌باشد. او مجبور به بازنشستگی اجباری شد اما از پیگیری مطالبات کارگری دست نکشید. داود رضوی با اتهاماتی کذب و حکمی ناعادلانه و با وجود شرایط سخت جسمانی در حال سپری کردن حکم خود در زندان اوین می‌باشد. همانند وی، حسن سعیدی و رضا شهابی، دیگر اعضای زندانی سندیکا، بیش از یک سال است که در زندانند، فقط به جرم پیگیری مطالبات کارگری.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط داود رضوی، رضا شهابی، حسن سعیدی و کلیه کارگران، معلمان و فعالین مدنی زندانی می‌باشد. به امید برقراری عدالت در ایران و سراسر جهان.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ۵ مهر ۱۴۰۲

من هم کارگر آق دره هستم!

در بین خبرهای سرکوب و ستم بر کارگران و زحمتکشان در این سالیان، حکایت کارگران حق‌طلب آق‌دره از فراموش‌نشده‌ی هاست. در این سالیان آنها علیه بیکار سازی، علیه دستمزدهای اندک و شرایط دشوار کار در معدن، و علیه سیاستهای تفرقه اندازانه از جمله عدم استخدام کارگران بومی و تضعیف روحیه جمعی کارگران بارها دست به اعتراض و تجمع مسالمت‌آمیز زدند. زنان آق‌دره مورد ضرب و شتم قرار گرفتند، کارگران و جوانان جویای کار تلاش کردند صدای حق‌خواهی خود را به گوش مردم برسانند، اما همچون بردگان آزادی‌خواه در قرون گذشته با بازداشت و حبس و ضربات شلاق اربابان خودخوانده و توخالی مواجه شدند. هربار که به داستان کارگران آق‌دره، و سرگذشت هزاران کارگر دیگر که طی این سالیان به احکام شلاق و حبس محکوم شده‌اند، فکر می‌کنم، احساس نفرت دوجندانی از بی‌عدالتی، و ثبات‌قدمی ده‌چندان برای پیگیری کرامت انسانی و زندگی شایسته برای تمام هم‌طبقه‌ای‌ها و فرودستان این جامعه می‌کنم. وقتی شنیدم بار دیگر عده‌ای از این کارگران به اتهام‌های امنیتی محاکمه شدند، با خود گفتم این بیدادگاهی است برای سرکوب تمام

کارگران و حمایت از سرمایه داران و چپاول گران منابع عمومی کشور که از قبل کار، زحمت و استثمار ما و تخریب محیط زیست به ثروتهای نجومی رسیده اند. من هم خود را در کنار کارگران آق دره و تمام زحمتکشان مورد ستم و سرکوب می بینم. کلیه اتهامات واهی علیه این کارگران لغو باید گردند. اعتراض، اعتصاب و تشکل از حقوق ابتدایی همه ما کارگران باید باشد.

دور نیست روزی که تمام کارگران و زحمتکشان در صفوف متحد و متشکل عدالت را به این سرزمین بازگردانند و فردایی بهتر برای فرزندانمان رقم بزنند.

رضا شهابی زندان اوین،

۶ مهر ۱۴۰۲

عدم موافقت با مرخصی حسن سعیدی، با وجود تصادف منجر به جراحت شدید فرزندش

مسئولان قضایی با مرخصی حسن سعیدی، از اعضای برجسته و فعالین قدیمی سندیکا که از ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۱ زندانی است، با وجود تصادف منجر به جراحات شدید فرزندش، مخالفت می کنند. در این شرایط سخت حسن سعیدی از حضور در خانواده و حمایت از فرزندش محروم است و همسرش می بایست به تنهایی و با سختی فراوان درمان فرزندش را پیگیری کند، ضمن اینکه مسئولیت فرزند کوچکترشان نیز بعهده همسر حسن سعیدی است.

حسن سعیدی عضو قدیمی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه از سال ۸۳ تا کنون نزدیک به دو دهه است که بطور مداوم در فعالیتهای سندیکایی و کارگری مشارکت فعال داشته است. ایشان به دلیل فعالیت های سندیکایی و حق طلبانه چهار مرتبه اخراج از کار شده اما همچنان استوار از حقوق کارگران دفاع کرده است. آقای سعیدی تمام این سالها که با رنج فراوان برای خود و خانواده اش همراه بوده به دفعات بازداشت و یا توسط پلیس ضرب و شتم شده است. سعیدی در روز کارگر ۹۸ نیز ۳۳ روز در بند ۲۰۹ بازداشت بود و برایش حکم ۵ سال زندان صادر شد. ایشان در تجمعاتی که برای

مطالبه حقوق کارگران برگزار می‌شد حضور فعال داشت. و بارها مورد تعقیب و آزار و اذیت قرار گرفت. در اردیبهشت سال ۱۴۰۱ با سناریو سازی نخ نمای وزارت اطلاعات سعیدی و دو تن از دیگر اعضای سندیکا، داود رضوی و رضا شهابی همچنین فعالین کارگری ریحانه انصاری‌نژاد، آنیسا اسدالهی و همسرش کیوان مهندی که مترجم سندیکا نیز بودند و چند تن از فعالین شناخته شده معلمان بازداشت شدند. بهانه این بازداشت و سناریو سازی دیدار اعضای سندیکا و معلمان با دو تن از اعضای سندیکای نیروی کار فرانسه بود. دیداری که در تمام کشورها معمول است و نمایندگان سندیکاهای کارگری با یکدیگر انجام می‌دهند، و این ارتباطها از حقوق بدیهی کارگران است. حسن سعیدی با این سناریو سازی محکوم به پنج سال زندان، دو سال تبعید به خارج از تهران و استان‌های همجوار و دو سال محرومیت از فعالیت در گروه‌ها و احزاب شد و هم اکنون برای سپری کردن دوران محکومیت خود در زندان اوین به سر می‌برد و در این مدت از هر گونه مرخصی حتی در مواقع ضروری و اورژانسی هم محروم بوده است. نمونه بارز، اتفاقی که برای فرزند ایشان در اثر یک سانحه تصادف پیش آمد. میبایستی به حسن سعیدی جهت پیگیری مراحل درمان فرزندش مرخصی داده می‌شد تا بتواند در این مواقع حساس و ضروری مرجمی برای مشکلات و زخم‌های خانواده باشد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه خواستار موافقت مسئولین قضایی با مرخصی حسن سعیدی و همچنین خواستار آزادی بی قید و شرط اعضای زندانی خود حسن سعیدی، داود رضوی و رضا شهابی و سایر فعالین کارگری، معلمی و مدنی می‌باشد.

کارگر زندانی آزاد باید گردد

به امید برقراری عدالت در ایران و سراسر جهان.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۸ مهر ۱۴۰۲

روزگار کارگران افغانی!

کارگران افغانی که از ستم طالبان گریخته و برای تهیه لقمه نانی به کشور ما آمده اند، مورد ظلم و بی عدالتی و استثمار وحشیانه سرمایه داران ایرانی قرار می گیرند.

از دهه پنجاه ورود کارگر افغانی به کشورمان آغاز و تاکنون ادامه دارد. به گفته مقامات مسوول در حال حاضر ۱۱ میلیون افغانی در سراسر ایران زندگی می کنند. زنان و فرزندان این کارگران هم در کشور کار می کنند. کودکان خردسال افغانی به دستفروشی، گدایی و زنان با کار در خانه ها، رستوران ها و باغات و یا سرایداری و مراکز خدماتی و یا بصورت کارگر جنسی روزگار می گذرانند که گاه مورد تجاوز چه هموطنان خود و چه کارفرمایان ایرانی قرار گرفته و حتا دزدیده شده و اعضایشان توسط قاچاقچیان اعضا فروخته و خودشان به قتل می رسند. در نواحی شرقی کشور هم به صورت برده و یا کنیز مبادله می گردند. کارگران مرد افغانی عموماً در بخش ساختمان، راهسازی، کشاورزی و باغداری و به تازگی در پروژه های نفت و گاز هم مشغول به کار هستند. اینان از وضعیت زیستی مناسبی برخوردار نیستند. وقتی در پروژه ها برای کارگر ایرانی حمام و دستشویی، صابون، مایع ظرفشویی وجود ندارد و یا بسیار کم است برای این کارگران در حد نصف این امکانات هم داده نمی شود. کارگران افغانی که بطور دسته جمعی زندگی می کنند، بهداشت را که از نظر آنان هزینه بر است را از سبب زندگی حذف کرده و رعایت نمی کنند. اکثر آنان ۲ هفته یکبار به حمام می روند، دست خود را پس از قضای حاجت با صابون و یا مایع دستشویی نمی شویند. اکثرن شپش دارند. لباس هایشان را گاه تا یکماه از تن بیرون نیاورده و نمی شویند. هر چند نماز می خواند اما فقط به گرفتن وضوی شرعی اکتفا می کنند. از رسیدگی به بهداشت فردی خود غافلند.

در پروژه های عسلیه آخرین نفراتی هستند که به آب و دستشویی به دلیل ازدحام کارگران ایرانی، نوبتشان می رسد. بیش از ۸ ساعت مقرر کار کرده و کمتر از یک کارگر ایرانی دستمزد می گیرند و به آن افتخار می کنند. غذاهایشان بی کیفیت و اگر تنها باشند فقط نان خالی می خورند. اگر حادثه ای رخ دهد به دلیل نداشتن مجوز کار از رفتن به مراجع قانونی می پرهیزند و مجبورن خود و یا دسته جمعی هزینه را پرداخت کنند. برای کارفرمایان ایرانی کارگر افغانی ابزاری است که اگر شکسته شود و یا خراب شد باید دور انداخت.

از مرگ و میر کارگران افغانی که بدون تردید باید نزدیک به آمار کارگران ایرانی باشد هیچ مرجعی اطلاع رسانی نمی کند. مرگ کارگران افغانی بیشتر در ساختمان سازی، حفر قنات، کارگاههای کوچک زیرزمینی چند نفره به ویژه پرتاب از بلندی و آتش سوزی ها رخ می دهد. مراسم مرگ دلخراش آنها بی سرو صدا بدون حضور خانواده و دوستان و همشهری

ها اتفاق می افتد برای آنکه همگی بدون مجوز در ایران کار و زندگی می کنند. مافیای ساختمان در ایران باید از این کارگران افغانی که نه بیمه می شوند نه ساعت کار دارند و در هر ساعت از شبانه روز در خدمت کارفرما هستند، استقبال کنند. کارگران افغانی شاغل در کشاورزی و باغداری از همه بخش ها بدبخت تر و بیواتر هستند و رسمن برده هایی هستند که با خانواده در خدمت ارباب خود بدون هیچگونه حق و حقوقی در تمام شبانه روز هستند. اینان را می توان در باغ های نظرآباد و هشتگرد و روستاهای مرکز ایران یافت. حیواناتی به شکل انسان.

تجاوز گروهی به کارگران نوجوان همشهری در خوابگاهها و زیست گاههای دستجمعی آنان هرگز برملا نمی شود. این امر در مور زنان وحشیانه تر و خشن تر است. کشتن زنان، پسران نوجوان مورد تجاوز قرار گرفته امری عادی و سری است و کسی را از آن نباید با خبر کرد که با گم شدن و یا به افغانستان رفتن فرد توجیه می شود.

مافیای افغانی در صدور کالا به افغانستان و آوردن غیرقانونی افغان ها به ایران بسیار فعال است و در حمل و نقل ارز از ایران به افغانستان نقش اصلی را بازی می کنند و گاه با بالا و پایین کردن نرخ ارز همدست مافیای ارز ایران همکاری می کنند. تجار افغانی که تجارت پر سود رد و بدل کردن پول از ایران را به عهده دارند عامل اصلی فحشا، مواد مخدر، قاچاق انسان، برده کردن زنان و دختران و گاه کشتن آنان هستند. این مافیا که به شدت چه به لحاظ مالی و چه به لحاظ سازماندهی خروج ارز از ایران کارکشته شده اند در مناطق مرزی ایران و افغانستان حرف اول را می زنند. بردن کالاهای اساسی ایرانی بطور غیرقانونی از مرزهای مخفی برای ندادن هزینه گمرک، سیل کالا را به سمت افغانستان به راه انداخته است. تجارت پر سود برده کردن زنان و جوانان به دلیل ندادن بدهی خانواده و فروش آنان به بازارهای برده جنسی کشورهای عربی، پاکستان، طالبان و داعش از دیگر جنایات این گروه تجار انسان نمای افغانی مقیم ایران است. این تجار پلشت نه تنها مالیاتی برای کارهای بازرگانی خود به ایران نمی دهند بلکه عامل اصلی خلاف چه در ایران، ترکیه، پاکستان و کشورهای عربی می باشند. این تجار پول هایشان را تبدیل به دلار کرده گونی گونی از مرزهای غیرقانونی به سمت افغانستان می فرستند.

مافیای ایران همدست این مافیا در مواد مخدر، قاچاق انسان و کارهای ساختمانی است.

هیات تحریریه پیام سندیکا

تاخیر در پرداخت دستمزدها و موج اعتصاب ها!

به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا، تاخیر در پرداخت دستمزدها باعث موج اعتصاب ها خواهد شد و بار دیگر کارگران پروژه ای به میدان خواهند آمد.

۱- با توجه به اخطار چندباره کارگران شرکت جهانپارس در سایت ۱ پتروشیمی بوشهر در مورد عقب افتادن دستمزد کارگران، از امروز دست به اعتصاب زده و با قول کارفرما مبنی بر پرداخت در چند روز آینده، به این وعده ها اعتماد نکرده به سرکار بازنگشته و در محوطه پالایشگاه دست به اعتصاب زدند.

۲- در شرکت نفت گچساران کارگران با نوشتن طوماری به وضعیت نامناسب بهداشت آشپزخانه و اتاق های کارگری «دشت گز» اعتراض خود را اعلام کرده بودند که امروز با نگرفتن غذا و ورود به آشپزخانه، رستوران را تعطیل کردند. غذاهای داده شده به کارگران بوی گند می دهد. آشپزخانه مملو از مگس و محل پخت غذا به شدت کثیف است. کارگران تا پنجشنبه به کارفرما مهلت داده اند که وضعیت را درست کند در غیر این صورت دست به اعتصاب خواهند زد.

۳- عقب افتادن ۴ ماهه حقوق کارگران پالایشگاه آدیش صنعت جنوبی واقع در کنگان، کارگران از امروز دست به اعتصاب زده و به جز پرداخت دستمزد هیچ قولی را نپذیرفته و در بیرون پالایشگاه در انتظار حقوق واریزی هستند.

۴- ۲۰۰ کارگر شرکت ساختمانی «انهار علا مرو دشت کوه هوا» که در ایستگاه گاز کار می کنند ۳ ماه حقوق عقب افتاده دارند. سرپرست کارگاه آقای مهندس میرزایی هر کارگری را که اعتراض کند سریع اخراج می کند. در این شرکت فقط کارگران پایپینگ کار به دلیل همبستگی و اتحاد طبق کمپین ۲۰۱۰ حقوق گرفته و مسایل شان رعایت می شود. کارگران آماده اعتصاب می شوند.

مصاحبه مازیار گیلانی نژاد مسوول سنیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران با خبرگزاری ایلنا



به رسمیت شناختن حق تصمیم‌گیری کارگر در عقد قرارداد کار یکی از خواسته‌های کارگران است. آنها خواستار برچیده شدن قراردادهای سفید امضا، یکطرفه و ظالمانه هستند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، «ما در صنعت نفت دست روی دست نگذاشته‌ایم تا نمایندگان سرمایه‌داران در مجلس، ما را مدام سر بدوانند، از اول هم امیدی به اینکه بساط سودجویی پیمانکارانِ قدر قدرت جمع شود نداشتیم؛ می‌دانستیم این ساماندهی به سامان نمی‌رسد...» کارگران پروژه‌های نفت که سال‌هاست در قالب یک کمپین موسوم به کمپین ۱۰-۲۰ مطالبات قانونی خود را پیگیری می‌کنند، از ظلم ماندگار پیمانکاران و شرکت‌های واسطه‌ای می‌گویند که حامیان قدرتمندی دارند و برچیده شدن بساط آن‌ها، بیشتر شبیه یک شعار است تا واقعیت. با این حال این کارگران هیچ زمان از مطالبه‌گری منسجم دست برنداشته‌اند و کنشگری صنفی آن‌ها توانسته در سال‌های اخیر، دستاوردهایی داشته باشد، دستاوردهایی که البته در قیاس با منافع سرشار پیمانکاران و حقوق قانونی این کارگران چندان بزرگ نیست: «هرچند اجازه نمی‌دهند تشکل‌های مستقل صنفی داشته باشیم، اما از طریق فضای مجازی و ایجاد یک کمپین توانستیم با هم متحد شویم و کار را پیش ببریم، همیشه فشار روی ما بوده است، از فشارهای از بالا گرفته تا خط و نشان‌های پیمانکاران؛ همیشه کارگران پروژه‌ای مطالبه‌گر در معرض خطر بوده‌اند، برخی بلک لیست می‌شوند، برخی ممنوع‌الکار، اما ما توانسته‌ایم در قالب یک شبکه مطالبه‌گری کنیم...»

تاریخ کمپین ۱۰-۲۰ و لیست مطالبات

از اولین روز اردیبهشت امسال کمپین ۱۴۰۲ کارگران پروژه‌های نفت، گاز و پتروشیمی برای چهارمین سال پیاپی و با مطالبات محوری چون ۲۰ روز کار و ۱۰ روز استراحت، افزایش

۷۹ درصدی حقوق و ارانه یک نسخه از قرارداد به کارگر (به رسمیت شناختن حق مشارکت کارگر در عقد قرارداد) آغاز به کار کرد؛ از هفته آخر فروردین ۱۴۰۲ با اعتراض صنفی کارگران در پتروشیمی سربندر و دهلران دور تازه مطالبه‌گری آغاز شد؛ اینبار، افزایش ۷۹ درصدی حقوق و دستمزد در سرتیتر مطالبات این کمپین قرار گرفته بود ضمن اینکه هنوز برخورداری از ده روز استراحت در قبال ۲۰ روز کار، خواسته‌ای بود که با جدیت دنبال می‌شد. کمپین ۱۰-۲۰ یک سابقه‌ی بیش از سه ساله دارد و کارگران پروژه‌ای شاغل در سکوها و سایت‌های مختلف نفتی از عسلویه و کنگان گرفته تا بندر امام و خارک، به عضویت آن درآمده‌اند؛ این کمپین سراسری سالها پیش از این فعالیت خود را به طور نسبتاً رسمی با انتشار بیانیه‌ای در تابستان ۱۳۹۹ آغاز کرد. در این بیانیه بر رفع تبعیض در سیستم طبقاتی نفت و گاز کشور و برخورداری از ده روز مرخصی برای کارگران پروژه‌ای نفت و گاز تاکید شده بود؛ در ماه‌های بعد، بهره‌مند شدن از خدمات رفاهی برابر با رسمی‌های نفت، بهبود شرایط زیست و برخورداری از حقوق قانونی مندرج در قانون کار و مقاله‌نامه‌های بنیادین به لیست خواسته‌ها افزوده شد. ارسال لیست بیمه‌ی واقعی برای کارگران پیمانکاری و پروژه‌ای، یکی از اصلی‌ترین خواسته‌های کمپین در این سال‌ها بوده است؛ معمولاً پیمانکاران، کارگران پروژه‌ای را در لیست‌های بیمه‌ی ارسالی به تامین اجتماعی «کارگر ساده» معرفی می‌کنند و این حق بیمه‌ی صوری، آینده و بازنشستگی کارگر را به مخاطره می‌اندازد؛ یک جوشکار متخصص بعد از سی سال کار باید با حداقل حقوق یک کارگر ساده بازنشست شود، به همین دلیل کارگران پروژه‌ای خواستار واقعی شدن بیمه‌ها شدند. یکی دیگر از خواسته‌ها، به رسمیت شناختن حق تصمیم‌گیری کارگر در عقد قرارداد کار است، کارگران خواستار برچیده شدن قراردادهای سفید امضا، یکطرفه و ظالمانه شدند و گفتند یک نسخه از قراردادی که براساس موازین قانونی تنظیم شده و به امضای کارگر و کارفرما رسیده باید به خود کارگر داده شود. در این میان، در سال جاری مطالبه‌ی افزایش ۷۹ درصدی دستمزدها به لیست خواسته‌های کمپین افزوده شد.

دستاوردهای کمپین ۱۰-۲۰

مازیار گیلانی نژاد در ارتباط با این کمپین می‌گوید: امسال بخشی از مطالبات کمپین محقق شد، به این معنی که حقوق‌ها در برخی سایت‌های پروژه‌ای افزایش یافت اما خواسته‌ی بیست روز کار، ده روز مرخصی در بسیاری از کارگاه‌ها به نتیجه نرسید. امروز بیست روز کار، ده روز مرخصی تقریباً در عسلویه انجام می‌شود اما خارج از عسلویه کمتر نشانی از تحقق این خواسته می‌بینیم. این فعال کارگری با بیان اینکه کمپین ۱۰-۲۰ دستاوردهای به نسبت خوبی در عسلویه داشته است؛ می‌گوید: مرخصی‌ها برقرار است و افزایش حقوق از ۳۰ درصد تا ۷۰ درصد اعمال شده است، مثلاً جوشکارها و فیترها و مونتاژکارها که کارشان بسیار حیاتی‌ست، توانستند افزایش حقوق خوبی به دست بیاورند. آیا همچنان کمپین ۲۰-

۱۰ پابرجا و فعال است؛ گیلانی‌نژاد در پاسخ می‌گوید: ارتباطات همچنان برقرار است، ارتباطاتی که مبتنی بر حقوق مشترک و قانونی‌ست و گام به گام با اتحاد کارگرانه و به پشتوانه‌ی درد مشترک، کار را پیش می‌برد. خوشبختانه کارگران پروژه‌های فهمیده‌اند که باید علیه تبعیض مبارزه کنند و مقابل سودجویی بی حد و حصر پیمانکاران بایستند. این فعال کارگری معتقد است، حذف پیمانکاران به دلیل وجود شرکت‌های بسیار قدرتمند و با نفوذ در این ساختار فعلی ممکن نیست، کارگران از اول هم می‌دانستند که طرح ساماندهی و حذف کامل پیمانکاران به جایی نمی‌رسد اما مطالبه‌گری را متوقف نکردند.

کارگران: امیدی به طرح ساماندهی نداشتیم

کارگران که به قدرت مطالبه‌گری جمعی خود متکی هستند، می‌گویند از اول هم به حذف پیمانکاران و طرح ساماندهی امیدی نداشتیم، فقط شعاری بود که با توسل به آن بگویند بله ما هوای کارگران را داریم. لابد خودشان هم در نشست‌هایی که داشته‌اند فهمیده بودند امکان حذف پیمانکاران نیست، با این حال، مدام می‌گفتند نگران نباشید....

در روزهای اخیر، طرح ساماندهی برای دومین بار از شورای نگهبان به بهانه‌ی بار مالی داشتن! به مجلس بازگشته است و این در حالیست که بیش از دو سال است این طرح در راهروهای مجلس، مجمع تشخیص و شورای نگهبان در رفت و آمد است. در ماه‌های قبل؛ اینکه مقامات سازمان امور استخدامی در هیات مدیره‌ی چندین شرکت پیمانکاری عضو هستند خبرساز شد و همگان فهمیدند چرا با رفتن پیمانکاران مقاومت می‌شود، آنهم یک مقاومت جدی و جانانه!

با این حال، کمپین ۱۰-۲۰ بدون توجه به مانورهای فرادستان به راه خود ادامه داده است. امروز کارگران پروژه‌های نفت و گاز، همچنان از تبعیض و بی‌عدالتی رنج می‌برند اما قدرت بیشتری نسبت به چهار سال قبل دارند، قدرتی که برآمده از اتحاد و اتکا به بدنه‌ی کارگری‌ست و حتماً کارفرمایان را می‌ترساند.

گزارش: نسرين هزاره مقدم

۴ مهرماه ۱۴۰۲

اخبار یکشنبه های اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی

۱- گسترده تر باد همبستگی همه بازنشستگان!



امروز سه شنبه ۱۴ شهریور ۱۴۰۲ بازنشستگان کشوری و لشکری به همراه بازنشستگان تامین اجتماعی و مخابرات و دانشگاه علوم پزشکی در محل صندوق بازنشستگان کشوری تجمع کردند. سخنرانان در خصوص معیشت و اجرای درست همسان سازی حقوق و جلوگیری از حیف و میل کردن سرمایه های کشور در راههای غیر نیاز کشور صحبت نمودند. همچنین بازنشستگان خواستار آزادی معلمان و مطالبه گران صنفی دربند شده و شعار «معلم زندانی آزاد باید گردد» سر دادند. سخنران بعدی در مورد هزینه های بی مورد در حرکت سیاسی اربعین سخن راند. در ادامه تجمع کنندگان با شعارهای صنفی و سیاسی گردهمایی را ادامه داده و با شعار «فقط کف خیابان بدست میاد حق مون - نه حيله نه بازی اجرای همسان سازی - رنيسي دروغگو حاصل و عده هات کو و در آخر شعار تا حق خود نگیریم آرام نمی نشینیم» در پایان تجمع شعار «دوباره برمیگردیم» و تذکر مجری برنامه در شرکت یکپارچه همه بازنشستگان در تجمعات یکشنبه های تامین اجتماعی و دوشنبه های مخابرات و سه شنبه های صندوق بازنشستگی کشوری سخن گفت و ختم تجمع اعلام شد. بیش از یکماه است که بازنشستگان کرمانشاهی پرچمدار تجمعات همبستگی با دیگر بازنشستگان شده اند که درس خوبی برای همه بازنشستگان است. امید که این همبستگی را در هفته پیش رو در شهرهای دیگر هم ببینیم.

۲- یکشنبه های اعتراض!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، یکشنبه های اعتراض بازنشستگان تامین اجتماعی امروز ۹ مهرماه در شهرهای تهران، رشت، کرمانشاه، اهواز، شوش برگزار شد.

در کرمانشاه بیش از ۱۵۰ بازنشسته که در مقابل سازمان تامین اجتماعی گرد آمده بودند به سخنرانی ها گوش داده و شعارهایی علیه دولت سر دادند. یکی از بازنشستگان گفت: «نمایندگان بی عرضه، نمایندگانی که فقط به دنبال رانت هستید، شما مگر نماینده قاطبه مردم نیستید؟ مگر نباید از حل مشکلات مردم دفاع کنید؟ فقط می روید در مجلس حقوق بگیرید؟» که بازنشستگان شعار: «ما دیگه رای نمیدیم، عدالتی ندیدیم» فریاد زدند. سخنرانان به شدت از عملکرد کانون بازنشستگان به ویژه قانون شکنی جواد اکبری رییس سابق کانون بازنشستگان کرمانشاه انتقاد کردند.

در شوش بیش از ۵۰ بازنشسته که در قابل اداره تامین اجتماعی حاضر شده بودند با سخنرانی یک بانو که میگفت: «بیمارستان های تامین اجتماعی ۳ نوع دارو بیشتر نمی دهد در حالی که هر ماه از ما مبلغ بیمه تکمیلی را کم می کند» بازنشستگان شعار: «پیام ما به دولت، خجالت خجالت» سر دادند.

بیش از ۸۰ تن از بازنشستگان در اهواز پس از حضور در مقابل اداره کار به خیابان آمده ضمن راهپیمایی شعار: «ننگ ما ننگ ما، صداوسیما مانه مجلس نه دولت، نیستند به فکر ملت-اجرای همسان سازی، بدون حقه بازی» را گفتند.

در شوش نیز بیش از ۵۰ بازنشسته با شعار: «ما دیگه رای نمیدیم، عدالتی ندیدیم» به میدان آمده بودند.

در رشت کماکان بازار بگیر و ببند داغ است و فشار بر بازنشستگان بسیار. اما با این همه بازنشستگان گیلانی گردهم آمده و با اینکه هر تلفن بدستی را بازداشت و سیم جین می کردند بازنشستگان با صلابت کامل حضور پیدا کرده به ویژه بانوان نقش پررنگتری داشتند.

در همین روز بازنشستگان فولاد مازندران و اصفهان نیز در اعتراض به کمی مستمری ها و وضعیت بد درمان به خیابان آمده بودند. اصفهانی ها شعار می دادند: «حقوق نصفه نیمه، سکوت کنی همینه»

در تهران طبق روال یکشنبه های اعتراضی گذشته و با توجه به تهدیدهای بازنشستگان از طرف اعضای هیات مدیره کانون برای جلوگیری از ایستادن اعتراضی آنها در مقابل کانون به دلیل عملکرد توخالی، بازنشستگان تهرانی با جمع شدن در مقابل کانون تهران و صحبت با بازنشستگان و اعلام خواسته های خود و اینکه اینها نمایندگان خالی بند و بی عرضه ای هستند که هیچ دستاوردی نداشته و پاسخی برای مشکلات بازنشستگان ندارند. با آنکه هیات مدیره به بازنشستگان مستقل قول داده بودند که سالن اجتماعات را باز کنند تا این افراد در

انجا با بازنشستگان صحبت کنند، اما بازنشستگان مستقل با درهای بسته روبرو شده و به مقابل درب کانون آمدند. که در این حین آقای مجیدی با حالت تهدید به میان بازنشستگان آمده و با پررویی به آنها میگوید: «مگه قرار نبود که دیگه در مقابل کانون جمع نشوید؟» که بازنشستگان در جوابش گفتند: «نه همچین قرارى نبوده» که در مقابل این پاسخ سرش را پایین انداخت داخل ساختمان رفت تا چه اشی برای بازنشستگان بپزد. بازنشستگان بارها به مجیدی گفته اند که او به پلیس امنیت گزارش بازنشستگان را می دهد.

انتخابات کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی در انزلی!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۱۵ مهرماه انتخابات کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی در بندرانزلی با حضور اعضای کانون های استانی در سکوت کامل برگزار شد. کانون عالی که باید پیگیر مسایل کلان بازنشستگان از جمله افزایش مستمری ها، درمان با کیفیت از صفر تا صد توسط تامین اجتماعی، پس گرفتن بانک رفاه، نظارت بر عملکرد شستا، لایحه هفتم توسعه... متأسفانه آنچه دغدغه این اقایان نیست همین مسایل گفته شده بالاست. این افراد از مشکلات بازنشستگان هیچ خبری ندارند و فقط آدم های بله قربان گویی بیش نیستند. به عنوان مثال آقای محمد اسدی موافق واریز حق بیمه ها به اداره دارایی است. ایشان به جای گرفتن حق بازنشستگان راهنمایی های خوبی به نمایندگان مجلس برای نابودی تامین اجتماعی می کند، که این هم بی دلیل نیست. محمد اسدی کارخانه دار است و نباید هم به فکر رونق تامین اجتماعی باشد چرا که اگر تامین اجتماعی نباشد ایشان دیگر حق بیمه ای برای کارگزارانش پرداخت نخواهد کرد و این پول به جیب نامبارکش می رود. باید از استاد شاگردی دفاع کند چون از فردا کارگر را با یک سوم حقوق استخدام می کند. ایشان و همه هیات مدیره های مافیایی کانون ها باید از حق تشکل دفاع نکنند چون اگر تشکل باشد آبروی آنان را خواهد برد و بی عرضگی هایشان را آشکار خواهد کرد. اسدی های کارفرما نیازی به حقوق بازنشستگی ندارند(بقول فرمایش خودش در کانون بازنشستگان قزوین) تا غم بازنشسته را بخورد، برای معیشت و درمان بازنشسته خود را به در و دیوار بزند. بیات و اسدی چندین سال است در کانون عالی مسئولیت دارند و تمام مشکلات امروز ما که مال یکسال و دو سال اخیر نیست توسط اسدی و امثال ایشان بیار آمده است. اگر خواسته های ما بطور جدی

پیگیری کرده بودند وضع اسفبار ما این نبود که الان هست. کانون عالی مبلغ سید معیشت را بهتر از همه ی ما می دانند منتها درآمدی که از رانت کانون عالی شان برایشان می آورد، اجازه دفاع از سفره ما را نمی دهد آنها دائم در فکر حفظ موقعیت خود و صندلی شان هستند. بازنشستگان عزیز نمیدانید صندلی ریاست چه درآمدی و کیفی دارد، می گوید نه از اعضای کانون عالی بپرسید و یا به عملکردشان نگاه کنید.

در جلسه کانون بازنشستگان قزوین چه گذشت؟

به گزارش خیرنگار پیام سندیکا، در روز چهارشنبه ۱۲ مهرماه بازنشستگان را برای حمایت از یکی دیگر از بی خاصیت های کشور ایران در مجلس، در سالن اجتماعات کانون بازنشستگان قزوین دعوت کرده، جلسه ای که از طرف هیات مدیره کانون گذاشته و از خانم دکتر محمدبیگی نماینده مجلس قزوین دعوت شده بود که پیرامون برنامه هفتم و مطالبات و سوالات بازنشستگان سخنرانی و یا توضیح دهند. ایشان راجع به همه چیز حرف زدند به جز راهکار برون رفت از دامی که مجلس و مافیای زر و زور و تزویر برای کوچک کردن سفره کارگران و بازنشستگان در قالب برنامه هفتم چیده اند.

خانم محمدبیگی برنامه های ملی کلان دولت را جزو عملکرد افتخارآمیز خودشان لیست کرده مثل آسفالت خیابانها... و معلوم نبود چرا اینقدر هیجان زده و عصبی است. تا حدی که همه مشکلات فعلی را به گردن دولت روحانی انداختند. جالب اینکه درآمدهای دولت رئیسی را جز کارهای انقلابی خود میدانستند. ایشان گفت بدنبال مجوز ساختن درمانگاه در شهرک مهرگان در مدت نمایندگی خود بوده و تازه مجوز شش ماهه ای (توبخوان تا پایان دوره تبلیغات برای انتخاب مجدد ایشان) گرفته اند.

از محمد اسدی رییس کانون عالی بازنشستگان تامين اجتماعي کشور و عزیزاسدی رییس کانون بازنشستگان قزوین کلی تعریف کرده از طرح جوانی جمعیت کشور حمایت کرد، اینکه تخت بیمارستانها در قزوین دو برابر شده!!! مسنول کمیته سلامت الکترونیک مجلس هست و فرزند کارگری زحمتکش هست وو...

دو سوال از طرف یکی از بازنشستگان مطرح شد، با عصبانیت به بازنشسته ای دیگر گفت: «چرا خرابی ها را گردن دولت می اندازید» سوالات طرح شده را نشان داد که میخواهم جواب این سوالات بدهم. به پدر آقای روحانی (رییس جمهور قبلی) توهین کرد و به سوالات که یکی مربوط به تورم ۴۷ درصدی و افزایش ۲۱ درصدی حقوق ها در سال جاری بود و

دیگری هم مربوط به ماده لایحه هفتم توسعه که واریز حق بیمه ها به حساب دارایی بود، اصلن جواب نداد و جلسه متشنج شد.

قبل از اینکه خانم نماینده و محمداسدی تشریف بیارند، عزیزاسدی (رئیس کانون بازنشستگان قزوین) تلاش کرد از سفره کم رنگ بازنشستگان، از نارسایی های درمانی بازنشستگان بگوید تا چهره موجهی از خود به نمایش بگذارد. همچنین گفت: «کانون بازنشستگان از خانم نماینده حمایت کرده که نماینده شده، سکان مجلس دست ۲۰ نفر است و ماهی ۲۴ میلیارد تومان بابت بیمه تکمیلی به بیمه تکمیلی، از طرف کانون پرداخت می کند و تامین اجتماعی شده حیات خلوت دولت» محمد اسدی رییس کانون عالی گفت: «وظیفه مجلس نظارت بر اجرای قانون است که مجلس عمل نمی کند با بیشتر روسای کمیسیونهایی که به نوعی با کار و کارگر و بازنشسته ارتباط دارند، حتی در مواردی صورت جلسه نوشتیم، امضا کردند ولی اهمیت ندادند» محمد اسدی راجع به ماده ۹۶ (افزایش حقوق برابر با تورم) همچنین ماده ۵۴ مربوط به صفر تا صد درمان بازنشستگان صحبت کرد و گفت: «منابع تامین اجتماعی باید بشکل سهام در اختیار بازنشستگان قرار گیرد، بازنشستگان باید ماهیانه ۹۰ درصد شاعلین حقوق بگیرند، متوسط بگیران طبق تورم و حداقل بگیران ۱۰۰ درصد حقوق بگیرند، انتخابات کانون بازنشستگان و مجلس نزدیک است» و از این حرفهای قشنگ، قشنگ و دلربا. جالب هیچکدام نمی گویند من یا ما باید بکنیم همه می گویند باید بکنند. آقای کریمی رئیس خانه کارگزار برنامه ویرانگر هفتم گفت و همچنین گفت: «دولت و مجلس حرفشان یکی است هر دو دست بدست هم داده اند تا کمر کارگر و بازنشسته بشکنند، راجع به ادغام صندوق ها گفت چرا ما را با صندوقهایی که سرشان به تنشان می ارزند مثل صندوق سپاه یا نفت ادغام نمی کنید»

جالب اینکه هیچکدام از این اسدی ها از بی عرضگی های خودشان نگفتند. نگفتند برای بازنشسته ها چه فعالیت هایی کرده اند و چرا نرفته و درب مجلس بست ننشسته اند، چرا با موسوی رییس تامین اجتماعی در روز تامین اجتماعی جلسه داشته و گفته اند ما با این لایحه موافقیم و آقای موسوی رییس تامین اجتماعی اعلام کرد که ما با کانون ها به توافق رسیده ایم. آقای اسدی کانون عالی نگفت که با واریز حق بیمه ها به دارایی موافق است، نگفت که کانون ها باید به اداره دارایی مالیات بدهند آن هم از جیب بازنشستگان و هزاران نگفته دیگر. کانون بی عرضه ای که از خانمی حمایت کرده که در طی ۴ سال نمایندگی مردم قزوین هیچکاری برای بازنشستگان و کارگران قزوینی نکرده و موافق لایحه هفتم توسعه است تا پدر زحمتکشان در بیاید حالا باز هم می خواهند این خانم را دوباره به مجلس بفرستند.

الحق که کوری عصا کش کور دیگری است.

افزایش رهاسازی سالمندان!

با افزایش تورم و گرانی و فقیرتر شدن خانواده هایی که سالمند بدون مستمری دارند، رهاسازی این سالمندان در خیابان ها افزایش یافته است. بخشی از این پیرزنان و پیرمردان خود داوطلبانه خانه های فرزندان خود را ترک می کنند تا عذاب آنان را کاهش دهند.

در خیابان های تهران به ویژه در مراکزی که رستوران و مواد غذایی می فروشند و یا عرضه می شود، سالمندان بسیاری را می توان مشاهده کرد که در گوشه ای نشسته و منتظر آنند که غذای نیم خورده ای را تصاحب کنند.

سالمندان فقیر در این دوره از زندگی به دلیل از دست دادن دندان های خود، با مشکلات گوارشی عدیده ای روبرو هستند و علاوه بر این مشکل، کم بینایی به خاطر عدم توانایی تهیه عینک، کم شنوایی به دلیل نداشتن سمعک و گران بودن آن، فقر ویتامین های مورد نیاز را تجربه می کنند و به بیماری های زیادی مبتلا می گردند.

با حذف ویتامین ها از شمولیت بیمه تامین اجتماعی، سالمندان بیشتری مورد آسیب های جسمی به ویژه پوکی استخوان، آرتروز های شایع، بیماری های پوستی ناشی از کمبود آفتاب و شکستگی لگن، قرار خواهند گرفت.

فرزندانی که در زندگی روزمره خود دچار مشکلات گوناگون از جمله اجاره خانه، تامین غذا، دارو هستند بی تردید نمی توانند پدران و مادران سالمند خود را که اگر خوشبخت باشند و مستمری بگیرند آنهم مستمری های ۲ تا ۶ میلیونی را مراقبت و مواظبت کنند و یا تلاش کنند آنان را در سرراه های سالمندان دولتی پذیرش کنند. برای پذیرش در سرای سالمندان کهریزک کرج و تهران و دیگر سرراه های سالمندان که تقریباً دولتی هستند باید حداقل یکسال و بیشتر، منتظر ماند.

پیرزنان و پیرمردان بسیاری در خیابان های شهرهای بزرگ در حال گدایی را می توان یافت که تحمل رنج فرزندان را تاب نیاورده و در خیابان ها سرگردان هستند. این سالمندان که با قوانین خیابان خوابی و خیابان گردی و گدایی آشنا نیستند بسیار مورد آسیب های روانی و جسمی قرار خواهند گرفت و در گوشه و کنار پارک ها و خیابان ها هر روزه مرگ این هموطنان را شاهدیم.

نه تنها بر دولت، بهزیستی، شهرداری، هلال احمر، کمیته امداد، صندوق های بازنشستگی، سازمان تامین اجتماعی و وزارت بهداشت است که هرچه زودتر برای این بحران سالمندی

چاره ای بیندیشند چون در این خصوص ردیف بودجه دارند، بلکه وظیفه همه انستادوستان و شهروندان است که در انجمن های سالمندی گرد آمده با مطالبه گری این پدیده شوم را از آخرین لحظات این انسان ها بزدایند.

دبیرخانه انجمن کنشگران سالمندی ایران شهریور ۱۴۰۲

در سالمندی هم می توان جوان ماند!

ورزش آن اکسیر شگفت انگیز جوانی است و می توان در هر سنی با ورزش مناسب آن سن، دوباره جوانی و نشاط را تجربه کرد. ورزش کردن برای بدن مفید و اثرات خوبی در روحیه سالمندان دارد. بازیابی عضلات با ورزش به بهداشت جسمی و روحی کمک بزرگی می کند .

در نروژ و آمریکا طبق یک آمارگیری از سالمندان متوجه شدند کسانی که بطور مرتب ورزش می کنند سن سلامتی شان ۲۵ سال کمتر از سن شناسنامه ای شان است. در مسابقات سالانه سالمندان در مینیاپولیس آمریکا که سالمندانی بین سنین ۵۵ تا ۹۵ شرکت داشتند، معلوم شد سن سلامتی شرکت کنندگان ۲۵ تا ۳۰ سال کمتر از سن شناسنامه ای شان است.

اودریک اورلاف متخصص طب سالمندی در نروژ ثابت کرد ورزش می تواند در جوان تر کردن سالمندان اثرات شگفت انگیزی داشته باشد. سن تندرستی بر حسب میزان تحرک و یا بی تحرکی اندازه گیری می شود. کاهش حجم عضلات و کند تر شدن عملکرد فیزیکی سالمندان باعث تندتر شدن روند پیری و زمین گیر شدن آنها می گردد.

دبیرخانه انجمن کنشگران سالمندی ایران مهر ۱۴۰۲

نامه سرگشاده در مورد پدیده خودکشی!

به نام خدا

ریاست محترم کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی جناب دکتر ولی اسماعیلی

باسلام، به اطلاع میرساند همانگونه که مستحضرید پدیده (معضل) شوم خودکشی در ایران رو به افزایش است، متأسفانه در استانهای مرزی به صورت وحشتناک و نگران کننده به خودی خود شده یک اپیدمی (رقابت) (انتقام از خود و خانواده) و.....

جان پاول روانکاو آمریکایی در کتاب "من کیستم" (روانشناسی خویشتن) می گوید: با بیان کردن واقعیت ها، می توانیم به هم بگوییم که واقعا چه کسی هستیم. باید احساساتمان را همانگونه که هستند بشناسیم و عاقلانه اظهار داریم و این مهمترین و پر ارزش ترین هدیه ای است که می توانیم به خود و به دیگران عرضه داریم. اگر این حقایق حتی خوشایند و دلپذیر نباشد، باز هم در مرام یکرنگی، ما معتقدیم که آنها را بازگو کنیم.

این پدیده شوم تمام مرزهای سنی و طبقاتی جامعه را شکست؛ به عنوان مثال آمار یک هفته ای در شهرستان رامهرمز از استان خوزستان محل سکونت و توابع را به اطلاع میرسانم*

* ۱- ج..... تاز ۶۳ ساله ساکن شهرک شهید رایگانی*

* ۲- کلثوم.....خ(دختر) ۱۴ ساله ساکن کوی سرکهکی*

* ۳- جعفر ب..... ۳۵ ساله بیمار اجتماعی ساکن پاگچی بهمئی*

* ۴- یاسین.ع..... ۲۰ ساله دانشجو قهرمان ورزشی ساکن پاگچی بهمئی*

*۵- ابراهیم.م..... ۲۵ ساله بیمار اجتماعی ساکن طالقانی

۶- دانیال.ن..... ۲۴ ساله با تحصیلات عالی، ورزشکار حوزه مرکزی.

لذا از شما و کمیسیون مربوطه با توجه به دو اصل زیر مجموعه آن کمیسیون محترم خواستار:

۱- بررسی و طرح قوانین مربوطه مددکاری اجتماعی جمهوری اسلامی با مسئولان و دستگاه های ذیربط

۲- بررسی برنامه و اقدامات انجام شده برای کاهش آسیبهای اجتماعی.

۳- تقاضای تحقیقات بیشتر، مستقل،

۴- همکاری، همیاری و حمایت به هر طریق ممکن را داریم تا شاید خانواده های کمتری در این معضل خانمان سوز گرفتار شوند.

رونوشت:

نماینده مردم شریف رامهرمز و رامشیر در مجلس جناب سرهنگ پاسدار حاج ابراهیم متینیان

ناگفته نماند این آمار بدون شهرستانهای همجوار مانند رامشیر، هفتکل، باغملک، بهبهان، جازان و بهمئی هست

باسپاس فراوان

***ابراهیم شیخی کارگر بازنشسته و فعال اجتماعی*.**



زباله جمع کنی که کتاب از پول برایش مهمتر است.
نفرین بر سیستم سرمایه داری که با روش های گوناگون
بچه ها را از تحصیل محروم می کند.

وعده ها

وعده ها دادند سفره ها رنگین شود
مرهم زخم دل غمگین شود،
سفره بیچارگان رنگی ندید
نیم رنگی هم که داشت، آن هم پرید.
باله مرگی بود،
آن هم نیست شد
نمره خدمتگزاران بیست شد.

مستاجر ها صاحب خانه شدند
از اتاقی وارد لانه شدند
زیرزمین کوچکی آن هم نمود
صد میلیون پول پیش، هشتصد اجور (اجاره)
ماه به ماه هشتصد تومان با پول پیش
کی تاسف می خورند از کار خویش.
ابتدا باید به اصل ریشه تاخت
کار و مسکن را فراهم کرد و ساخت.
این دعایی که خدا مسکن دهد
شغل کاری بر تو و بر من دهد
این دعا از ریشه و بن اشتباست
کار و مسکن کی؟ کجا؟ دست خداست؟
کار و مسکن را خداوند داده است
دست مسوولین وقت افتاده است.

کارگر ناشناس

دوستان کارگر برایمان شعر، نقاشی، عکس، قصه و اخبار کارگری محیط کارتان را بفرستید. اشعار محلی، عکس از محیط کار و زندگی تان می تواند نشریه پیام سندیکا را پر بار تر کند. هیات تحریریه پیام سندیکا



زنان فرانسه شاعر می‌زایند
 زنان سوئد آزاده
 زنان چین کارگر
 زنان آمریکا شهروند
 زنان فلسطین مدافع
 زنان عرب مسلمان
 و ما
 مادران بال بریده ایران
 مهاجر می‌زاییم
 نه آن مهاجری که پاییز برود
 و بهار برگردد
 مهاجری که برود و دیگر
 برنگردد.

مهسا محمودپور

Reply

در ژاپن اعداد خجالت نمی‌کشند! مقایسه ایران و ژاپن

در ژاپن هر کسی دیپلم دارد، مفاهیم اولیه آمار رو به صورت کامل بلده و می‌تونه با نرم‌افزارهای تحلیل آماری کار کنه و نمودار و تحلیل براش کار ساده‌ایه. از سوم ابتدایی تا دیپلم، از دانشکده‌های فنی تا دانشکده‌های علوم سیاسی، حقوق و روانشناسی، حداقل نصف وقت افراد صرف آمار، تحلیل و مدل‌سازی ریاضی پدیده‌ها و رویدادها می‌شه. حتی یک میوه‌فروشی کوچیک محلی هم برید، طرف از کشو چندتا برگه پر از جدول و نمودار درمیاره و می‌گه مثلا فروش گوجه گیلاسی بعد از کرونا، سی درصد کمتر شده، یا نسبت به قبل، مردم بیشتر اول صبح خرید می‌کنن! و بعدش طبق چیزی که به دست آورده برنامه‌ریزی کاری آینده رو انجام می‌ده. در ژاپن ریزترین مسائل هم به صورت آماری بررسی می‌شن. مثلا مدرسه‌ای که من درس می‌دم، هر ماه یه نمودار بهمون می‌دن که چند درصد از کسانی که کلاس آزمایشی میان، واقعا برای ثبت‌نام برمی‌گردن و هر معلم چند درصد در جذب شاگردان آزمایشی موفق بوده. متاسفانه آمار در ایران بسیار ضعیف و نحیفه. خود من بارها در این دام افتادم که مثلا تو لابراتوار گفتیم عه چه جالب ایران هم همین طوره! بعد استادم ذوق زده گفته برو آمارشو بیار که با ژاپن مقایسه کنیم! بعد من رفتم دست از پا درازتر برگشتم که ببخشید از بیخ آمارشو نداریم یا صدتا مرکز حرفای مختلف زدن و همدیگه رو نقض کردن!! نه فقط تو نکات منفی، که در موارد مثبت مثل موفقیت‌ها هم اگر کشور آمار درستی ارائه می‌کرد، این همه دست دیگران برای شایعه‌سازی باز نبود. وقتی یک کشوری مثل ژاپن آمار دقیق کوچک‌ترین مشکلاتش رو درمیاره، بعد میاد با سروصدا اعلام می‌کنه، مثل دزدیده شدن سه عدد دوچرخه طی یک سال گذشته در شهر کیوتو، یا اطلاعاتی‌های بشمار پلیس در منطقه ما که یک فرد مزاحم پیدا شده که خانمی که داشته تو بالکن لباس پهن می‌کرده رو دید می‌زده، به همه اعلام کردن اگر آدم مشکوک چشم‌چران دیدین فوراً با پلیس تماس بگیرید. اگر چنین آمارهایی رسماً و با سروصدا اعلام می‌شه، کاملاً قابل استناده و پلیس و دولت برای اطلاع‌رسانی عمومی این کارو می‌کنن. این به معنای غرق شدن جامعه در دزدی و فساد نیست مثلا. به معنای اینکه «ببین دیگه چه خبره که خودشونم می‌گن» نیست!!

تحلیل و تجویز راهبردی

آنچه خواندیم از زینب بهرامی است که همزمان در ژاپن هم دانشجوی دکتراست و هم معلم مدرسه بزرگسالان. چهار نکته کلیدی و مهم: «در ژاپن عدد محترم است.» اول آن که عدد تولید می‌شود؛ آن هم مستمر، منظم و با کیفیت. در کشوری که عدد وجود دارد دیگر نمی‌توان گفت که همه مردم از این طرح راضی‌اند! یا نمی‌شود گفت که شرایط بهتر یا بدتر شده است یا نمی‌توان گفت که عملکرد ما نسبت به قبلی‌ها بهتر بوده است، مگر اینکه همراه با یک فکت آماری قابل اطمینان باشد. دیگر کشور با حدس و گمان و حرف روی هوا اداره نمی‌شود. «در ژاپن اعداد خجالت نمی‌کشند!» هر واقعییتی که لازم باشد اندازه‌گیری و افشا می‌شود. در ایران اما اصل بر آبروداری است. به همین خاطر است که ما یعنی عموم جامعه و تحلیل‌گران، اطلاعات دقیقی در مورد تعداد دقیق ایرانیان خارج از کشور، میزان فرار سرمایه، میزان رضایت جامعه از حاکمیت و روسپیان خیابانی و غیرخیابانی نداریم. چرا چون در ایران اعداد خجالت می‌کشند! ما ترجیح می‌دهیم ندانیم تا اینکه بدانیم و شرمگین باشیم. ما اعداد را انکار می‌کنیم. ما ترجیح می‌دهیم اعداد را دفن کنیم!

در ژاپن عدد نه تنها محترم است که «عدد به اشتراک گذاشته می‌شود.» در رسانه و اخبار هم پیوسته نمودار، رقم و آمار ارائه می‌شود و نه کلی‌گویی. اعداد در ژاپن امنیتی نیستند؛ دارایی ملی‌اند. مبنای مفاهمه‌اند. اعداد تولید می‌شوند تا بهبود حاصل شود نه اینکه مبنای اداره افکار عمومی باشد! چگونه؟ بخشی از آن که مطلوب است ارائه شود و بخشی از آن که مطلوب نیست منتشر نشود. «در ژاپن اعداد فهمیده می‌شوند.» ژاپنی‌ها مسلط به فهم جهان از زاویه اعداد، آمار و ریاضیات هستند. بنابراین نمی‌توان مردم را به راحتی فریفت. نمی‌توان یک بار تورم مصرف‌کننده گزارش داد و یک بار تورم تولیدکننده، یک بار تورم نقطه به نقطه و یک بار ... نمی‌توان با اعداد بازی کرد. نمی‌توان آنقدر اعداد را زجر داد که به هر چه می‌خواهی اعتراف کنند!

چه باید کرد؟ اول اینکه نسل فعلی و بعدی را توانمند کنیم که از درجه عدد و رقم جهان را ببینند؛ به عبارتی «اعداد را بفهمند». دوم اینکه مطالبه‌گری جمعی کنیم که اعداد در ایران منظم، قابل‌اعتماد و پایدار تولید شوند، نه آنکه یک مرکز دولتی تصمیم بگیرد که از این پس آمار مسکن را منتشر نمی‌کنیم. سوم اینکه تلاش کنیم آمارهایی که تولید یا منتشر نمی‌شوند، منتشر شوند. بگذار از خجالت بمیریم اگر قاچاق دختران زیاد شده و ذوق کنیم اگر قاچاق دختران به صفر رسیده.



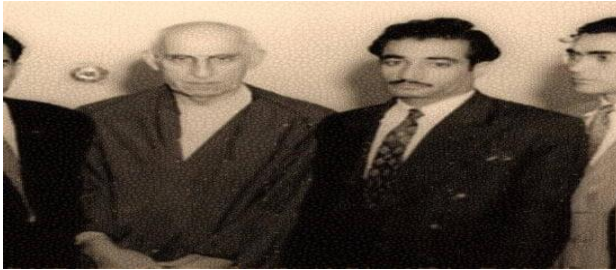
شاه کشت تا بماند، نمی دانست خون جوانان ایران زمین، سیلی بنیان کن خواهد شد و او را به زیاله دان تاریخ خواهد انداخت.

دلتنگ یعنی؛

رو به روی دریا ایستاده باشی
و خاطره یک خیابان خفه ات کند...

مجتبی صنعتی

گرامی باد یاد جانبختگان ۱۷ شهریور



قلمی که شکسته شد، روزنامه نگاری که زنده زنده در آتش سوزانده شد!

دکتر شفیع کدکنی می‌نویسد: «در میهن ما، انسان‌های بزرگی زیسته‌اند که هر یک به خاطر رفاه و آزادی مردم وطنشان، با قلم و اندیشه به پیکار استبداد رفته و در آتش نامردمی‌ها سوخته‌اند. یکی از آنها امیر مختار کریمپور شیرازی، شاعر و مدیر شجاع و مبارز روزنامه‌ی شورش بود که جان خود را در ۳۵ سالگی در پای قلم و آرمانش از دست داد.»

کریمپور در مدت اسارت شکنجه بسیار دید، تمام بدنش را با سیگار سوزاندند. سیخ داغ بر بدنش کشیدند، تهدید و تطمیعش کردند شاید توبه‌نامه‌ای از او بگیرند، ولی او زیر بار نرفت و به مصدق وفادار ماند. غروب سه شنبه ۲۳ اسفند ۱۳۳۲ در میدان پادگان لشگر دو زرهی، کریمپور را از زندان بیرون کشیدند، به دستور اشرف پیکرش را آلوده به نفت کردند، مدتی او را به توهین و تمسخر گرفتند. پالانی بر پیکر وی نهادند و دستور دادند با چهار دست و پا راه برود. با فروختن آتش، جشنشان را آغاز کردند. زندانی به هر سو می‌دوید و فریاد می‌زد شعله آتش همه بدن او را فرا گرفته بود. سر نیزه سربازان نیز مانع از این می‌شد که بازیگر این نمایش از این میدان دید تماشاگران بیرون رود...

فردای آن روز او را در حالی که دیگر امیدی به زنده ماندنش نبود، به بیمارستان ارتش منتقل کردند. در آنجا، تمام توان خود را در گلو جمع کرد و فریاد زد: «والاحضرت اشرف مرا کشت!» اما دکتر ایادی - پزشک مخصوص - با تمسخر گفت: «دیوانه است، هذیان می‌گوید.» بالاخره پیکر سوخته‌اش را که جای هفت زخم سر نیزه نیز بر خود داشت، به گورستان مسگرآباد بردند و بی هیچ نام و نشانی به خاک سپردند.



در یکی از دهکده های بسیار محروم ، دانش آموزی یک جفت چکمه پلاستیکی از معلمش هدیه میگیرد.

و خوشحالی بی پایان این کودک ، این عکس را زیباترین عکس دنیا میکند. جریان این جایزه بسیار زیباست.

معلم به عنوان یک مسابقه ، از دانش آموزان می خواهد هر کدام در رابطه با وضعیت خود بنویسد ، جایزه ای از من دریافت می کند .

همه بچه های کلاس ، انشا را می نویسند و معلم بعد از خواندن همه آنها ، از آنجا که همه را زیبا می یابد ، نمی تواند یکی را انتخاب کند و تصمیم می گیرد به قید قرعه، برنده این کفشها را مشخص کند.

همه دانش آموزان اسامی شان را می نویسند و داخل چکمه می گذارند و معلم یک اسم را از بین آنها بیرون می کشد.

همین که میخواست اسم را بخواند همه بچه ها دست می زنند و معلم با صدای بلند اسم عایشه (همان بچه ای که در عکس دیده می شود) را می خواند...

معلم وقتی این جریان را برای همسرش توضیح میداد اشک ریخت و چنین ادامه داد:

وقتی بقیه اسمها را نگاه کردم من متوجه شدم که تمامی بچه ها فقط اسم عایشه ، فقیرترین بچه کلاس را نوشته بودند!

بهترین و برترین رفتار، انسان بودن است.

بیاموزیم!

رابطه ی بین روان فردی و سازمان اجتماعی

در مقطع فعلی تاریخی-اجتماعی، که ما در آن قرار داریم، نهادهای کلان اجتماعی بر روانشناختی فردی ما تاثیر عمیقی دارند.

پیش از "عصر رسانه"، نهادهای قدرت بیرون از روان ما حضور داشتند، ولی اکنون نهادهای قدرت از طریق رسانه در درون روان ما حضور دارند.

با توجه به این که امروزه رسانه‌ها محتویات روان ما را می‌سازند ما باید ببینیم رسانه‌هایی که ما مخاطبش هستیم چه چشم‌انداز و سبک زندگی را به ما می‌دهند. سیطره‌ی رسانه‌ای در جهان در حال حاضر متعلق به تمدن و فرهنگ غرب است، اما رسانه‌ی فراگیر در کشور ما "سبک زندگی" دیگری را ترویج می‌کند. ما در «سبک» زندگی مان:

(با نگاه عاطفهمدار، احساس‌مدار، پذیرش، تسلیم و رها بودن از چارچوب‌هاست)

متفاوت از «چشم‌انداز» زندگی مان:

(با نگاهی که بر مبنای فضیلت نظم، انضباط، قانون و چارچوب قرار دارد)

عمل می‌کنیم.

پیام‌های متعارض رسانه‌های جهانی همچون هالیوود و رسانه‌ی حکومتی ما باعث می‌شوند ما دچار گجی و سردرگمی باشیم در نتیجه بخشی از این تعارض و گجی ما ناشی از همین است که رسانه‌های غالب در صنعت جهان رسانه‌هایی هستند که «چشم‌انداز» فرهنگ غرب را برای ما جلوه می‌دهند

و ما اغوا می‌شویم که مثل آنها زندگی کنیم. اما در سوی دیگر نهادهای کلان سیاسی در جامعه‌مان، نگاه زندگی عاطفی و عاشقانه، زندگی هنرمندانه و شاعرانه را به زندگی ما می‌دهند.

این در حالی است که چشم‌انداز سیاست‌گذاران ما هم حتی چشم‌انداز فرهنگ غرب است. یعنی با وجود اینکه ادعا می‌کنند که غرب راه اشتباهی را طی کرده است، نگاه می‌کنند اگر غرب انرژی هسته‌ای دارد ما هم باید انرژی هسته‌ای داشته باشیم، اگر غرب نانوتکنولوژی دارد ما هم باید فناوری نانوتکنولوژی داشته باشیم، اگر غرب ماهواره دارد ما هم باید ماهواره داشته باشیم

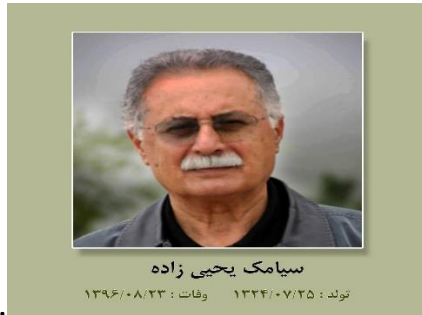
✪ حتی همان کسانی که اداره‌کننده‌ی نهادهای کلان اجتماعی-سیاسی در جامعه‌ی ما هستند، خودشان هم دچار همین تعارض و گیجی هستند که چشم‌اندازشان چشم‌انداز دستیابی به دستاوردهای فرهنگ غرب است اما توصیه‌شان به ملت در سبک زندگی چیزی متضاد آن چشم‌انداز است. ✪

نمونه اش این است که برای آزمایش طَبّی و درمان به آلمان و انگلیس تشریف می‌برند درحالی‌که این گفتمان را رواج می‌دهند که شما می‌توانید بیماری‌های بدخیم فرزندانان را مثلا با روشن کردن شمع در امامزاده درمان کنید.

در نتیجه این تعارض در خودشان هم وجود دارد.

پس رابطه‌ی "روان فردی" و "سازمان اجتماعی" یک ماجرای دو طرفه است. جریان بین فرد و اجتماع یک جریان کاملا دو طرفه است. قطعا این دو با هم در تعامل و دیالوگ هستند.

.. و در این مقطع زمانی در جامعه‌مان این تعارض، توسط نهادهای کلان اجتماعی-سیاسی‌مان دارد باز تولید میشود.



به بهانه ی اول شدنم تو مسابقات نقاشی (سال ۱۳۴۷)

برادر بزرگ سیامک که معنای (نگاه مدرن نقاشی) را اولین بار از او آموختم، تمام دوستان هنرمندش از شاعر و نویسنده ی رشتی، بگیر تا سینمایی نویس را دعوت کرد که اتفاقات (اردوی هنری) را برایشان شرح دهم، پیک اول را که بسلامتی هم بالا رفتیم، مو به موی وقایع یادم آمد.

تابلوآم جلوی تریبون داوران خودنمایی میکرد و من درحالی که (قند تو دلم داشت آب میشد) در جمع دختران و پسرانی که برای کسب مقام اولی از نقاط مختلف ایران به اردوی رامسر آمده بودند به حرفهای استاد غلامحسین نامی و چند نفری که اسمشان یادم نیست گوش میدادم... اینکه وقتی سوژه ی مسابقه را (اردوی هنری) انتخاب کردیم، نه اینکه روی جزئیات تاکید کنید، مثل فتورئالیستها پوسته ی ظاهری اشیاء را نشان دهید، منظور ما بیان (روح کلی) فضای بصری (اردوی هنری) بود.

بعد به تشریح تفاوت دیدگاه (توصیفی) نقاشان قبل از اختراع دوربین عکاسی و نگاه (بیان گرایانه ی) نقاشان مدرن قرن بیستم پرداختند.

به این معنی که توجه ی نقاش مدرن امروز از اسمهای ایستا مانند درخت، رودخانه، پرنده به فعل هایی پویا چون رُشد کردن، روان شدن، پروازکردن معطوف گشته.

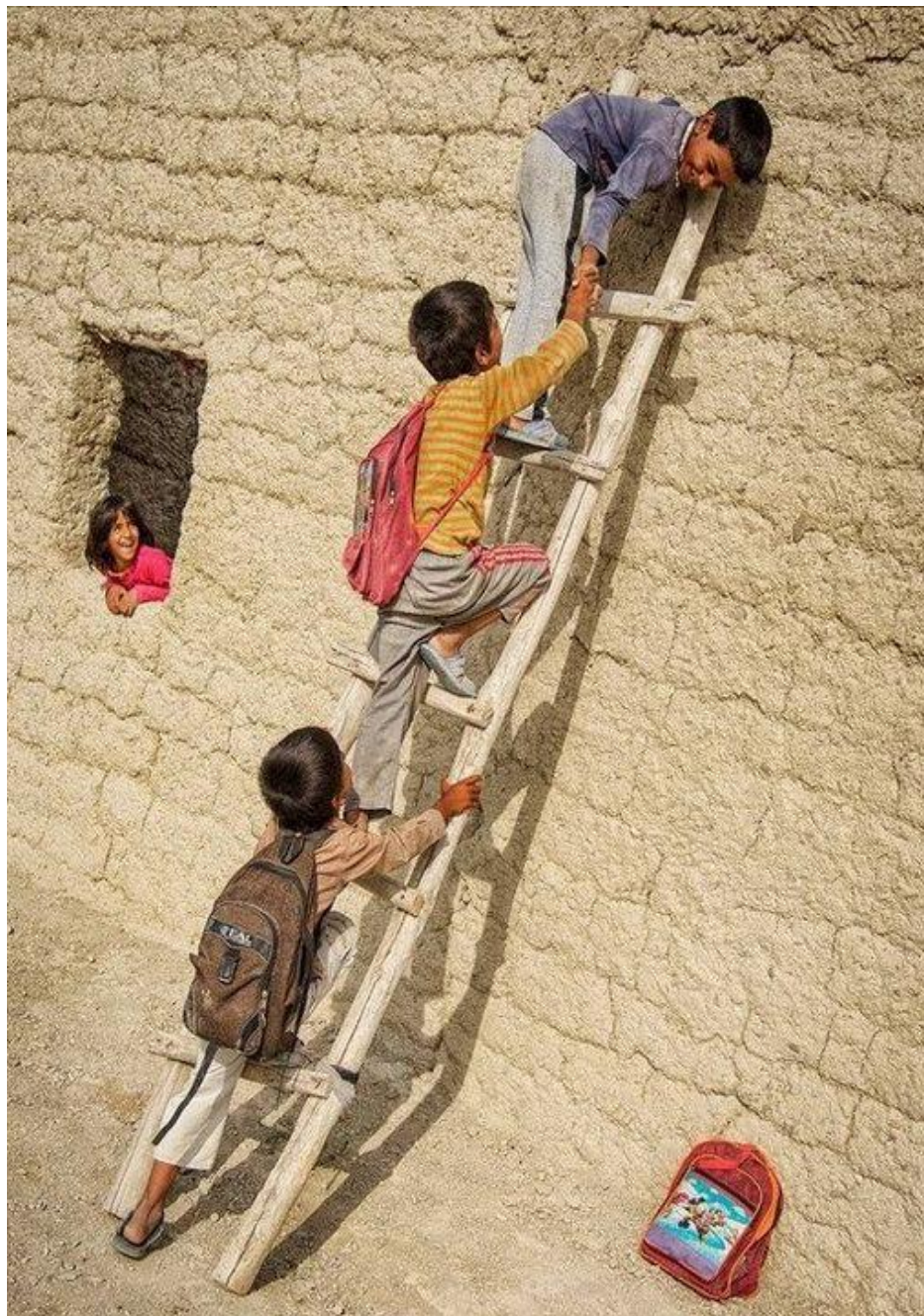
مثل این نقاشی (تابلوم را در دست گرفتند) به تحلیل شان ادامه دادند ... در نظر بگیرید آدمها در این تابلو به مثابه عناصر بصری درضرباهنگی از لکه های بنفش، سبز، آبی، خاکستری، درون طیفی از چادرهای رنگی، کناردرختان کوهپایه پیوندی اُرگانیک بوجود آوردند تا سرزندگی، تلاش، وحدت و دوستی دختران و پسران را در یک (اردوی هنری) نشان دهند.

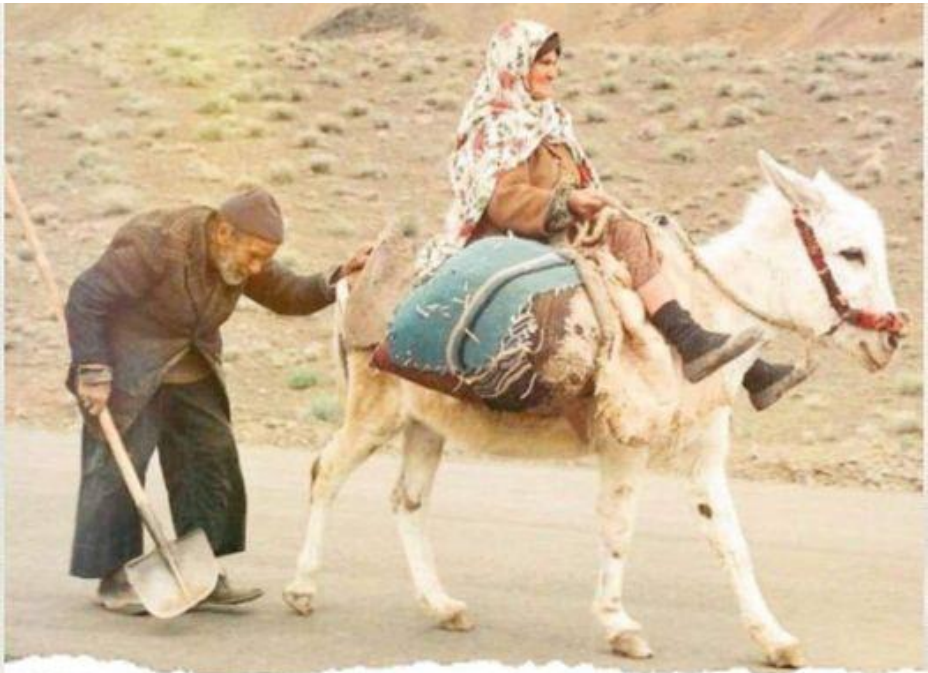
درواقع (فرم) در این اثر توانسته در ساختاری هارمونیک(موضوع)را بشکل خودش درآورد.

کمی بعد که همه ی داوران یکصدا کارم را رتبه ی اول اعلام کردند، خانمی از پشت بلندگو محترمانه گفت: نقاش اثر لطفاً تشریف بیاورد پشت تریبون.


رضافرحمد که توطراحی استانی مقام آورده بود، حس(شوونیستی)اش گُل کرد، با خوشحالی، طوری که توجه ی همه را بسمت من جلب کند، دستمو عینهو کشتی گیری که حریفانش را تو مسابقات تیم ملی ضربه فنی کرده باشد، بالابرد وبلندبلند گفت: ایران یعنی گیلان، گیلان یعنی رشت، رشت یعنی سیاوش یحیی زاده!

بعد نمیدونم چطور شد که یهویی، رتبه، مسابقه، مقام از ذهن دختران و پسران پرید! سالن مبدل شد به صحنه ی رقص و پایکوبی... کم مانده بود داوران هم به جمع ما بپیوندند!!





فکر نمی‌کنم او هیچ وقت در مورد حقوق

 [iam farzad yaqubi](https://www.facebook.com/iamfarzadyaqubi)

زنان چیزی خوانده باشد

اما مردانگی یک غریزه است.